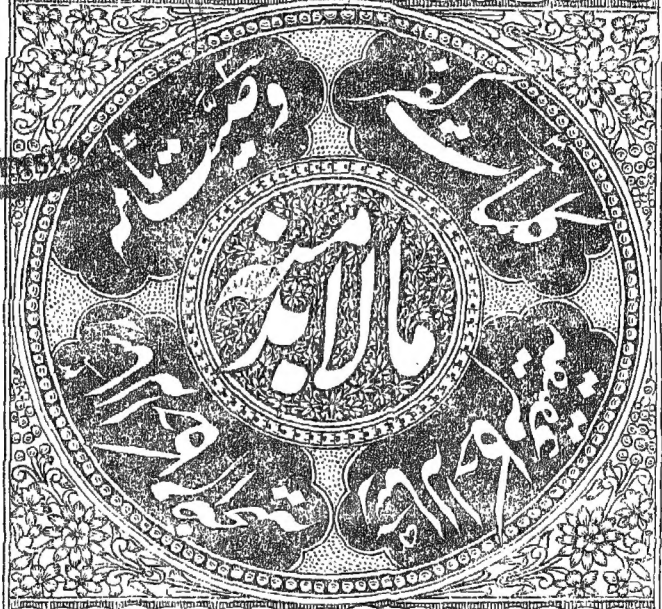




مَآئِدَةُ اللَّهِ لَا تُفَوِّتُ إِلَّا بِاللَّهِ

حَفِيفُ الْبُزْجِ زِيَادُ الْجَمِيِّ صَاحِبُ الْمِلَّةِ الْوَحِيدَةِ كَلَامُهُ خَلَامِي لَوْلَا نَسَبُهُ



أَنَا أَتَمَّ خَالِكُ الْأَنْبَاءِ مُحَمَّدٌ عَبْدُ اللَّهِ وَآلُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

مَطْعَةُ الْبَيْتِ وَطْعَةُ الْبَيْتِ

فصل اول در بیان کلیات  
 نام این کتاب کتاب الایمان است  
 این کتاب در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

CHECK  
 3302  
 این کتاب در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

M.A. LIBRARY, A.M.U.



PE3133

بسم الله الرحمن الرحيم

# کتاب الایمان

حمد و ستایش من خدای راست که بذات مقدس خود موجود است  
 و اشیا را بپا داد و تعالی موجود اند و در وجود و تقابلی محتاج اند  
 و وی هیچ چیز محتاج نیست بچیز است هم در ذات و هم در صفات  
 و هم در افعال و محسوس را وی امر با وی شرکت نیست نه وجود و حیات  
 او همجنس وجود و حیات اشیا است و نه علم او مشابه علم شان و نه  
 سمع و بصر و اراده و قدرت و کلام او با سمع و بصر و اراده و قدرت  
 و کلام مخلوقات مجانس و مشارک غیر از مشارک است هیچ مجانب نیست

و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان  
 و در بیان کلیات ایمان

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰





قال الله تعالى في سورة النور  
 يا أيها الذين آمنوا لا تمشوا في  
 الأرواح والبيوت الخاصة  
 بالرجال فتنزعوا على  
 أهليهم فكشفوا ما  
 في بواطنهم فلنكفروا  
 بهم وهم لا يعلمون  
 قال الله تعالى في سورة  
 النور  
 يا أيها الذين آمنوا  
 لا تمشوا في البيوت  
 الخاصة بالرجال  
 فتنزعوا على أهليهم  
 فكشفوا ما في بواطنهم  
 فلنكفروا بهم وهم لا  
 يعلمون  
 قال الله تعالى في سورة  
 النور  
 يا أيها الذين آمنوا  
 لا تمشوا في البيوت  
 الخاصة بالرجال  
 فتنزعوا على أهليهم  
 فكشفوا ما في بواطنهم  
 فلنكفروا بهم وهم لا  
 يعلمون

و قریب معیت با شیادارد نه آن احاطه و قریب که در خود قسم فاسد  
باشد که آن شایان جناب قدس او نیست و آنچه گفت و مشهود  
معلوم کنند از آن نیز منزه است ایمان بغیب باید آورد و هر چه  
مکتوف و مشهود گردد شبه و مثال است آن را تحت لای  
نفی باید ساخت همچنین حضرت فرموده اند پس ایمان را ایم  
که حق تعالی محیط اشیا است و قریب معنی احاطه و قریب معیت  
ندانیم که حبیب همچنین استوائی او سحانه بر عرض گنجایش او  
و قلب من و نزول او آخر شب یا صبح پائین که در اتحاد  
و تضرع روانند همچنین باید و وجه که مخصوص بدان ناطق اند  
ایمان بدان باید آورد و غیر ظاهر آن حل نباید کرد و در تاویل آن  
نباید آمد و تاویل آن را حواله به علم الهی باید کرد و اخیر حق را حق ندان  
باشی و صفات و افعال الهی غیر از اجل و حیرت بعینیه بلکه  
لاکه نمی غیب انکار مخصوص کفر است تاویل آن حل مرکب شمر

وَلَكِنْ لِيَقْضِيَ قَلْبُ  
الْمُؤْمِنِ أَنْ يُسْقِطَ  
رُزُقَهُ إِلَى الْيَوْمِ  
الْأَخِيرِ وَلَقَدْ جَاءَ  
رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِيهِ  
الْأَنْبِيَاءُ مِنْ قَبْلِهِ  
كَأَنَّهُمْ لَمِيحَاتُ  
النَّجْمِ

[illegible][illegible]



قدس سره  
 در جواب سؤالات  
 آنکه در این کتاب  
 آمده است که در  
 بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است

نمیشد کسی راه هدایت نمیدید و لاجرم حقیر رسید همه اینها  
 بر حق اند اول شان آدم است علیه السلام و افضل شان محمد  
 است صلی الله علیه و سلم تا تمام انبیاء و معراج پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
 و اسرای او از کنه مسجد قضی و از آنجا آسمان مقیم و سدره المنتهی  
 حق است و کتابهای آسمانی که بر انبیاء نازل شده  
 تورات و انجیل و زبور و قرآن مجید و صحیفهای ابراهیم و غیره  
 همه حق است بر همه اینها و همه کتابهای خدا ایمان باید آورد  
 لیکن در ایمان عدد و انبیا و عدد کتابها ملحوظ نباید داشت  
 که عدد و آنها از دلیل قطعی ثابت نیست و انبیا همه معصوم اند  
 از صغائر و کبائر و آنچه از پیغمبر صلی الله علیه و سلم بدلیل قطعی  
 ثابت شده با همه آن ایمان باید آورد و ایمان باید آورد  
 که ملائکه نیکوگان خدا حق اند معصوم اند از گناهان و منزه اند  
 از مردی و زنی محتاج نیستند باطل و شرک سازندگان و حی

در جواب سؤالات  
 آنکه در این کتاب  
 آمده است که در  
 بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است

در جواب سؤالات  
 آنکه در این کتاب  
 آمده است که در  
 بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است

در جواب سؤالات  
 آنکه در این کتاب  
 آمده است که در  
 بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است  
 و بعضی از مواضع  
 از کتب معتبره  
 نقل شده است

و حال آن عرش اندو بهر کاریکه مامور اند بران قائم اند و انبیا  
 و ملائکه با وجودیکه اشرف مخلوقات و مقربان درگاه اند مثل سایر  
 مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه خدا آنها را علم داده است  
 و قدرت داده و بذات و صفات الهی ایمان دارند چنانچه  
 سایر مسلمانان دارند و رادراک کنه بعجز و قصور محترف و  
 و رادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بتبندگان  
 خاص الهی راد صفات واجب شریک داشتن یا آنها را  
 در عبادت شریک ساختن کفرست چنانچه دیگر کفار بانکار  
 انبیا کافر شدند چنان رضای عیسی را پس خدا و مشرکان  
 عرب ملائکه را و خیران خدا گفتند و علم غیب یا نه مسلم شدند  
 کافر شدند انبیا و ملائکه راد صفات الهی شریک نباید کرد  
 و غیر انبیا راد صفات انبیا شریک نباید کرد و عصمت سوای  
 انبیا و ملائکه دیگری را از صحابه و اهل بیت و اولیای مائیت

و حال آن عرش اندو بهر کاریکه مامور اند بران قائم اند و انبیا  
 و ملائکه با وجودیکه اشرف مخلوقات و مقربان درگاه اند مثل سایر  
 مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه خدا آنها را علم داده است  
 و قدرت داده و بذات و صفات الهی ایمان دارند چنانچه  
 سایر مسلمانان دارند و رادراک کنه بعجز و قصور محترف و  
 و رادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بتبندگان  
 خاص الهی راد صفات واجب شریک داشتن یا آنها را  
 در عبادت شریک ساختن کفرست چنانچه دیگر کفار بانکار  
 انبیا کافر شدند چنان رضای عیسی را پس خدا و مشرکان  
 عرب ملائکه را و خیران خدا گفتند و علم غیب یا نه مسلم شدند  
 کافر شدند انبیا و ملائکه راد صفات الهی شریک نباید کرد  
 و غیر انبیا راد صفات انبیا شریک نباید کرد و عصمت سوای  
 انبیا و ملائکه دیگری را از صحابه و اهل بیت و اولیای مائیت

و حال آن عرش اندو بهر کاریکه مامور اند بران قائم اند و انبیا  
 و ملائکه با وجودیکه اشرف مخلوقات و مقربان درگاه اند مثل سایر  
 مخلوقات هیچ علم و قدرت ندارند مگر آنچه خدا آنها را علم داده است  
 و قدرت داده و بذات و صفات الهی ایمان دارند چنانچه  
 سایر مسلمانان دارند و رادراک کنه بعجز و قصور محترف و  
 و رادای حقوق بندگی بشکر توفیق الهی ناطق بتبندگان  
 خاص الهی راد صفات واجب شریک داشتن یا آنها را  
 در عبادت شریک ساختن کفرست چنانچه دیگر کفار بانکار  
 انبیا کافر شدند چنان رضای عیسی را پس خدا و مشرکان  
 عرب ملائکه را و خیران خدا گفتند و علم غیب یا نه مسلم شدند  
 کافر شدند انبیا و ملائکه راد صفات الهی شریک نباید کرد  
 و غیر انبیا راد صفات انبیا شریک نباید کرد و عصمت سوای  
 انبیا و ملائکه دیگری را از صحابه و اهل بیت و اولیای مائیت

سینا نذیر باد ۱۲  
۱۳۵۲ دفاصلیایان  
از نو نفعه خیل سال  
باشند که میکی الا بیان  
که در یک پلوش  
زمین در آسمان و باقیها  
تجدید  
صاحب احضار وقت  
انگاردی از افغان خود ۱۳۵۲  
که وقت است بجا  
بدون غرض مال و خست  
و کشتیایان خیل  
نبر باشد ۱۳









این جمله تفسیر صحیح است  
که تازی به صحت عقیده و ایمان واجب  
میباشد اما بعد از آن وقت مضاعف در  
شروع است یعنی که پس از حمد و ثناء  
سابق الذکر که مجموع قضا است نماز است  
نیز و چون تکبیر بزرگ اول و هر تقدیر  
وضو است و است که از آن تکبیر  
تکبیر دوم و یا هر تقدیر که نماز است  
و هر تقدیر که نماز است و هر تقدیر  
که نماز است و هر تقدیر که نماز است

فصل در اتمام نماز بعد از صحیح عقیقه عده ترین در  
عبادات نماز است و صحیح مسلم از جابر مرویست که  
فرمود علیه السلام که وصله در میان بنده و در میان کفر  
ترک صلوٰه است یعنی ترک صلوٰه بکفر میساند و احمد و ترمذی  
و نسائی از بریده از آنحضرت روایت کرده اند که عبد  
در میان ما و میان مردم نماز است هر که ترک کند آن را  
کافر شود و این ماجرا بی الدردار روایت کرده که وصیت  
کرد بن خلیل من صلی الله علیه و سلم که شرک بخدا  
نکنی اگر چه چشته شوی و سوخته شوی و نافرمانی  
والدین مکن اگر چه امر کنند که از زن و فرزند و مال خود  
بدر شو و نماز فرض را عمداً ترک مکن هر که نماز فرض را عمداً  
ترک کند ذل خدا از وی بر شست و احمد و دارمی  
و بیهقی از عمر بن عاص از ان سرور علیه السلام

سفرمون  
فوز و صاحب نینده آه فقط هایت  
میرد و سیمان نینده آه فقط هایت  
نیت یان الصلوات  
الکفر ترک الصلوات  
بعضی افط و صلوات  
خدا کی یوسف علیهم السلام  
و بعضی سفین شین گنمه انجیل  
و بعضی بنده و بن  
میان بنده و بن  
بنی نازا و صلوات  
بنی نازا و صلوات

14

[illegible][illegible]

علم الامت و مطالب است از جمیع  
 در تمام کتب معتبره حضرت مصطفی  
 باقر علی بن ابی طالب  
 انجم کلمه قوله باشد در این  
 فقرات و احادیث و سنن و ابرار آن  
 بدار است و ادای آن

روایت کرده اند که هر که بر نماز فرض محافظت کند او را  
 نور و حجت و نجات باشد روز قیامت و هر که محافظت  
 نکند نه او را نور باشد و نه برهان و نه نجات و باشد او با فرعون  
 و یامان و قارون و انس بن خلف و ترمذی از عبدالله  
 بن شقیق روایت کرده که اصحاب رسول الله صلی  
 الله علیه و سلم هیچ چیز را نمیدانستند که ترک آن موجب  
 کفر باشد مگر نماز را بنا برین احادیث احمد بن حنبل رحم  
 تبارک یک نماز را بعد از کفر میداند و شافعی و بروی حکم  
 بقتل میکنند بکفر و ترمذی امام اعظم او را حبس و اثمی واجبست  
 تا که توبه کند و الله اعلم پس باید دانست که نماز را استمرار  
 ارکانست چنانچه ذکر کرده شود انشاء الله تعالی از شرائط  
 نماز طهارت بدنست از نجاست حیوانی و نجاست حکمی و طهارت  
 پاچه و طهارت مکان پس اول مسائل طهارت باید آموخت

بدار است حدیث شریف  
 که در مشکوٰۃ مذکور است در این  
 در بعضی نسخ بطور است  
 باشد او با فرعون و یامان  
 و قارون و انس بن خلف  
 و ترمذی از عبدالله  
 بن شقیق روایت کرده  
 که اصحاب از اقرار است

۱۶۲

حضرت موسی علیه السلام  
 که نماز را در میان منی کرده است  
 یکی از اینها میفرمودست که نماز  
 صلوات علیه و سلم واجبست و در این  
 احادیث و روایات مذکور است که نماز  
 در وقت غایتی باشد و از این  
 که در وقت غایتی باشد و از این

احادیث و روایات مذکور است که نماز  
 در وقت غایتی باشد و از این  
 که در وقت غایتی باشد و از این  
 احادیث و روایات مذکور است که نماز  
 در وقت غایتی باشد و از این  
 که در وقت غایتی باشد و از این

[illegible]

سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری

و سه بار آب و هین کند و سه بار آب و هین  
 کند و هینی پاک کند و سه بار تمام رو بشوید و سه بار هر دو  
 دست با هم رو آرنج بشوید و مسح تمام سر کند یک بار و  
 هر دو گوش را با هم همراه مسح کند آب جدید شستن  
 و هر دو پای را با شستن یک سه بار بشوید و اگر در پا موزه  
 داشته باشد و موزه را بکشد طهارت کامل پوشیده باشد  
 مقیم را یک شبانه روز و مسافر سه شبانه روز از  
 وقت حدت جائز نیست که موزه از پا نکشد و مسح بر  
 موزه کرده باشد و اگر موزه باریده باشد تمسک در رفتن  
 حق در سه انگشت با ظاهر شود مسح بر آن روا باشد و  
 اگر شخصی با وضو باشد و یک موزه را از پا کشد یک یک  
 اگر قدم از جای خود در ساق موزه آید یا وقت مسح موزه  
 تمام شد و هر دو صورت هر دو موزه کشیده هر دو پا بشوید

است و این است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری

۴  
 و در مکانی که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری

سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری  
 سبب از این جهت است که در وقت خواب  
 در طول این وقت که در خواب است  
 غلبه بر او است و در وقت بیداری

[illegible][illegible]















از ان نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز  
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود  
 پاره چه پاک گردد و شمیرد مانند آن از مسح کردن پاک شود  
 و زمین نجس اگر خشک شود و ترا نجاست باقی نماند بر آن  
 نماز پاک شود نه بر آنی تمیم و همچنین دیوار و خشت مخصوص و  
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود  
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری  
 که عین او زایل شود نزد امام اعظم پاک شود  
 و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار بایست و  
 هر بار اگر ممکن باشد باید افسرد و الا خشک باید کرد تا که  
 تقاطع نماید و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار  
 یا بیست بار بایست و هر بار باید افسرد و اگر گدازد  
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

از ان نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز  
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود  
 پاره چه پاک گردد و شمیرد مانند آن از مسح کردن پاک شود  
 و زمین نجس اگر خشک شود و ترا نجاست باقی نماند بر آن  
 نماز پاک شود نه بر آنی تمیم و همچنین دیوار و خشت مخصوص و  
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود  
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری  
 که عین او زایل شود نزد امام اعظم پاک شود  
 و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار بایست و  
 هر بار اگر ممکن باشد باشد باید افسرد و الا خشک باید کرد تا که  
 تقاطع نماید و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار  
 یا بیست بار بایست و هر بار باید افسرد و اگر گدازد  
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

از ان نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز  
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود  
 پاره چه پاک گردد و شمیرد مانند آن از مسح کردن پاک شود  
 و زمین نجس اگر خشک شود و ترا نجاست باقی نماند بر آن  
 نماز پاک شود نه بر آنی تمیم و همچنین دیوار و خشت مخصوص و  
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود  
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری  
 که عین او زایل شود نزد امام اعظم پاک شود  
 و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار بایست و  
 هر بار اگر ممکن باشد باشد باید افسرد و الا خشک باید کرد تا که  
 تقاطع نماید و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار  
 یا بیست بار بایست و هر بار باید افسرد و اگر گدازد  
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد

از ان نزد امام اعظم جائز باشد و نزد امام محمد و شافعی و غیره جائز  
 نباشد مسئله منی غلیظ خشک اگر از پاره چه تراشیده شود  
 پاره چه پاک گردد و شمیرد مانند آن از مسح کردن پاک شود  
 و زمین نجس اگر خشک شود و ترا نجاست باقی نماند بر آن  
 نماز پاک شود نه بر آنی تمیم و همچنین دیوار و خشت مخصوص و  
 درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع بدون شستن پاک نشود  
 مسئله نجاست که نمودار باشد شستن مقداری  
 که عین او زایل شود نزد امام اعظم پاک شود  
 و نزد بعضی بعد زوال عین سه بار بایست و  
 هر بار اگر ممکن باشد باشد باید افسرد و الا خشک باید کرد تا که  
 تقاطع نماید و نجاست که نمودار نباشد آن را سه بار  
 یا بیست بار بایست و هر بار باید افسرد و اگر گدازد  
 اگر سوخته خاکستر شود نزد امام محمد پاک شود نه نزد



بازرگانی که در این شهر است و در این شهر است و در این شهر است



فصل در تیمم اگر کسی بر آب قاور نباشد  
 بسبب دوری آب یک گزوه چهار هزار قدم  
 یا بسبب خوف حدوث بیماری یا درنگ و شغلیا  
 زیادت مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف  
 تشنگی یا میسر نشدن دل و یا رسن او را جابرست  
 که عوض وضو غسل تیمم کند بر حیث زمین خاک  
 باشد یا ریگ یا چونه یا گچ یا سنگ سرنج  
 یا سیاه یا مرمری طیکه پاک باشد مسئله  
 اول نیت تیمم کند و هر دو دست بر زمین رده  
 یکبار بر تمام رویه یا لحد و یا بر زمین رده  
 بر هر دو دست با آرنج بخالد این سه چیز و تیمم  
 فرض است اگر مقدار ناخن تیمم از دست یا روی  
 باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم رو نباشد پس

در تیمم اگر کسی بر آب قاور نباشد بسبب دوری آب یک گزوه چهار هزار قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا درنگ و شغلیا زیادت مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا میسر نشدن دل و یا رسن او را جابرست که عوض وضو غسل تیمم کند بر حیث زمین خاک باشد یا ریگ یا چونه یا گچ یا سنگ سرنج یا سیاه یا مرمری طیکه پاک باشد مسئله اول نیت تیمم کند و هر دو دست بر زمین رده یکبار بر تمام رویه یا لحد و یا بر زمین رده بر هر دو دست با آرنج بخالد این سه چیز و تیمم فرض است اگر مقدار ناخن تیمم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم رو نباشد پس

در تیمم اگر کسی بر آب قاور نباشد بسبب دوری آب یک گزوه چهار هزار قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا درنگ و شغلیا زیادت مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا میسر نشدن دل و یا رسن او را جابرست که عوض وضو غسل تیمم کند بر حیث زمین خاک باشد یا ریگ یا چونه یا گچ یا سنگ سرنج یا سیاه یا مرمری طیکه پاک باشد مسئله اول نیت تیمم کند و هر دو دست بر زمین رده یکبار بر تمام رویه یا لحد و یا بر زمین رده بر هر دو دست با آرنج بخالد این سه چیز و تیمم فرض است اگر مقدار ناخن تیمم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم رو نباشد پس

در تیمم اگر کسی بر آب قاور نباشد بسبب دوری آب یک گزوه چهار هزار قدم یا بسبب خوف حدوث بیماری یا درنگ و شغلیا زیادت مرض یا خوف دشمن یا درنده یا خوف تشنگی یا میسر نشدن دل و یا رسن او را جابرست که عوض وضو غسل تیمم کند بر حیث زمین خاک باشد یا ریگ یا چونه یا گچ یا سنگ سرنج یا سیاه یا مرمری طیکه پاک باشد مسئله اول نیت تیمم کند و هر دو دست بر زمین رده یکبار بر تمام رویه یا لحد و یا بر زمین رده بر هر دو دست با آرنج بخالد این سه چیز و تیمم فرض است اگر مقدار ناخن تیمم از دست یا روی باقی ماند که دست آنجا رسیده باشد تیمم رو نباشد پس

مسئله اگر آب قاهر شود تیمم باطل گردد و اگر درین  
 نماز بر آب قاهر شود تیمم شروع کرده باطل گردد  
 مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد

انگشتی را حرکت باید داد و خلال در انگشتان باید کرد  
 مسئله تیمم پیش از وقت نماز جائز است و  
 از یک تیمم چند نماز فرض و نفل خواندن جائز است  
 مسئله اگر بر آب قادر شود تیمم باطل گردد و اگر درین  
 نماز بر آب قادر شود نماز که به تیمم شروع کرده باطل گردد  
 مسئله اگر بدن مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد

### کتاب الصلوة

فصل نماز و در این وقت در حالت ایستاده  
 و عقل و بلوغ و پاکی از حیض و نفاس فرض میشود  
 مسئله اگر از وقت بقدر تحریمه یا بی باشد که کافر  
 مسلمان شد یا طفل بالغ گشت یا مجنون عاقل شد

مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد  
 مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد  
 مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد

مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد  
 مسئله اگر درین مصلی یا پارچه او نجس باشد  
 و بر استعمال آب قادر نباشد او را نماز با نجاست  
 جائز است اگر بر پارچه پاک بقدر سحرورت قادر نباشد

این کتاب در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره

نماز بروی فرض شد و بعد از قطع حیض و نفاس بقدر  
 غسل و تحریم اگر وقت نماز باقی باشد نماز فرض شود  
 فصل وقت نماز غیر از طلوع صبح صادق است  
 تا طلوع کناره آفتاب و وقت ظهر بعد از آن است  
 تا که سایه هر چیز بخیزد و شود سوائه سایه اصلی و آن  
 یک نیم قدم و رسا و پس و پیش آن  
 تا چهار ماه یک یک قدم بخیزد و بعد از آن در هر ماه  
 دو و دو قدم بخیزد تا که در ماه و دو نیم قدم باشد  
 و قدم عبارت از پنجم حقه هر چیز است این قول  
 امام ابی یوسف و محمد و جمهور علماست و از امام عظیم  
 هم روایتی است همچنین و روایتی است که از امام عظیم  
 آنست که وقت ظهر باقی ماند تا که سایه هر چیز دو و چند  
 آن شود و سوائی سایه اصلی و بعد از گذشتن وقت ظهر

و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره

۴۹

بیان حال زان و کمان  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره

و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره

و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره  
 و در بیان احکام و فرائض و احوال و عبادت و غیره

[illegible]

بدول متعلقہ صفحات

جدول اقدار سایه اصلی باختلاف شهرد و از ده گانه حوالی و اکثری و هند فی بلاد مشهور هندوستان بحسب اقسام و دقائق یا طولی عرضی و  
تعیین هر طریقه از اقالیم سیمه سایه اصلی عبارتست از سایه هر چیز یک گام رسیدن که از آنجا که خط نصف النهار که وقت ظهر بر نه گام زوال و  
تجاوز از آنست و مراد از قدم در اینجا معنی چیزی و مراد از دقیقه در اینجا معنی قدم است و برای تسهیل حساب کسوف و انوار و ثوابت و غیره  
در اینجا خدمت کرده که باید دانست که این حساب به سطح است از جدول اظلال اقدام بازی در اقل از یک کادو که در اینجا آمده اند و طریقه  
اظلال اقدام است که درجات عرضی را مطابق اظلال را در قسمت و نیم ضرب نمایند و حاصل ضرب را به تقسیم نماید بر سین کسوف اظلال اقدام باشد

محل	تور	بوز	طلان	اسد	سنگه	میان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت	محل
۱-۲۵	۲-۲۵	۳-۲۵	۴-۲۵	۵-۲۵	۶-۲۵	۷-۲۵	۸-۲۵	۹-۲۵	۱۰-۲۵	۱۱-۲۵	۱۲-۲۵	۱۳-۲۵
۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷
۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹
۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲
۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴
۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷
۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰
۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲
۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵
۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷
۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰
۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲
۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵
۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸
۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰
۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴
۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱	۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶
۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴	۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹
۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷	۲۷-۲۸	۲۸-۲۹	۲۹-۳۰	۳۰-۳۱	۳۱-۱
۱-۲	۲-۳	۳-۴	۴-۵	۵-۶	۶-۷	۷-۸	۸-۹	۹-۱۰	۱۰-۱۱	۱۱-۱۲	۱۲-۱۳	۱۳-۱۴
۱۴-۱۵	۱۵-۱۶	۱۶-۱۷	۱۷-۱۸	۱۸-۱۹	۱۹-۲۰	۲۰-۲۱	۲۱-۲۲	۲۲-۲۳	۲۳-۲۴	۲۴-۲۵	۲۵-۲۶	۲۶-۲۷
۲۷-۲۸	۲۸-۲۹											





[illegible]





















مسئله جماعت زنان تنها نزد ابی حنیفه مکروه است  
 و نزد دیگر ائمه جائز است مسئله اولی برای امامت قاری  
 درست که از احکام نماز واقف باشد تیره عالم ترک قرآن  
 مایحوزیه الصلوٰه خواند و نزد اکثر علما بعکس آن و  
 امامت فاسق جائز است بکراهت و اقتدای مرد قاری  
 بالغ یکو دکن و امی و اقتدای منقرض تمیقل جائز نیست  
 و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود  
 و نماز پس محدث جائز نیست آری فساد نماز امام نماز  
 مقتدی فاسد شود و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی  
 خلف مستقیم جائز است و نماز رکوع و سجود کننده خلف  
 اشاره کننده جائز نیست مسئله اگر یک مقتدی باشد  
 بر امام بر دست راست یا تیسر و دو مقتدی و ریاده  
 خلف امام یا تیسند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و

مسئله جماعت زنان تنها نزد ابی حنیفه مکروه است  
 و نزد دیگر ائمه جائز است مسئله اولی برای امامت قاری  
 درست که از احکام نماز واقف باشد تیره عالم ترک قرآن  
 مایحوزیه الصلوٰه خواند و نزد اکثر علما بعکس آن و  
 امامت فاسق جائز است بکراهت و اقتدای مرد قاری  
 بالغ یکو دکن و امی و اقتدای منقرض تمیقل جائز نیست  
 و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود  
 و نماز پس محدث جائز نیست آری فساد نماز امام نماز  
 مقتدی فاسد شود و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی  
 خلف مستقیم جائز است و نماز رکوع و سجود کننده خلف  
 اشاره کننده جائز نیست مسئله اگر یک مقتدی باشد  
 بر امام بر دست راست یا تیسر و دو مقتدی و ریاده  
 خلف امام یا تیسند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و

۳۴

مسئله جماعت زنان تنها نزد ابی حنیفه مکروه است  
 و نزد دیگر ائمه جائز است مسئله اولی برای امامت قاری  
 درست که از احکام نماز واقف باشد تیره عالم ترک قرآن  
 مایحوزیه الصلوٰه خواند و نزد اکثر علما بعکس آن و  
 امامت فاسق جائز است بکراهت و اقتدای مرد قاری  
 بالغ یکو دکن و امی و اقتدای منقرض تمیقل جائز نیست  
 و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود  
 و نماز پس محدث جائز نیست آری فساد نماز امام نماز  
 مقتدی فاسد شود و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی  
 خلف مستقیم جائز است و نماز رکوع و سجود کننده خلف  
 اشاره کننده جائز نیست مسئله اگر یک مقتدی باشد  
 بر امام بر دست راست یا تیسر و دو مقتدی و ریاده  
 خلف امام یا تیسند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و

مسئله جماعت زنان تنها نزد ابی حنیفه مکروه است  
 و نزد دیگر ائمه جائز است مسئله اولی برای امامت قاری  
 درست که از احکام نماز واقف باشد تیره عالم ترک قرآن  
 مایحوزیه الصلوٰه خواند و نزد اکثر علما بعکس آن و  
 امامت فاسق جائز است بکراهت و اقتدای مرد قاری  
 بالغ یکو دکن و امی و اقتدای منقرض تمیقل جائز نیست  
 و اگر امی قاری و امی را امامت کند نماز هر سه باطل شود  
 و نماز پس محدث جائز نیست آری فساد نماز امام نماز  
 مقتدی فاسد شود و نماز قائم خلف قاعد و نماز متوضی  
 خلف مستقیم جائز است و نماز رکوع و سجود کننده خلف  
 اشاره کننده جائز نیست مسئله اگر یک مقتدی باشد  
 بر امام بر دست راست یا تیسر و دو مقتدی و ریاده  
 خلف امام یا تیسند و تنها خلف صف اگر کسی نماز گزار و













استاده شود آن مجلس  
 حال سجده کردن که در آن اوقات  
 از پیشانی بر پیشانی را کشند  
 بر زمین یا بر سجده یا بر خاک  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات

زانو یا بر داشته استاده شود و رکعت ثانیه مثل اولی  
 خواند بدون ثنا و تعوذ و چون رکعت دوم تمام کند  
 پائین چپ را بگستراند و بران بنشیند و پای راست را  
 استاده دارد و انگشتان هر دو پای را متوجه قبله  
 دارد و هر دو دست را بر مهر و دوران دارد و دو دست  
 خضر و نیضر از دست راست عقد کند و وسطی  
 و ابهام را حلقه کند و انگشت شهادت را  
 کشاده دارد و تشهد بخواند و وقت شهادت  
 اشارت کند این اشارت از امه اربعه موسی است  
 لیکن مشهور مذاهب امام اعظم آن است که اشارت  
 بخند و انگشتان هر دو دست متوجه قبله دارد و در  
 قعه اولی بر تشهد زیاده نمکند بعد از آن بحیر گویند  
 رکعت سوم برخیزد و رفع یدین درین وقت نزد

دست است و درین حالت  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات

۳۹

برادر و در آن اوقات  
 که مشغول باشند و در وقت  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات

و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات  
 و درین حالت که در آن اوقات



کند احیای آن را  
چون اند و در دم است  
چو در بانی است  
ظاهر در اینست  
از اینند و او میند  
قاصد خال میگرد  
تو را میگرد  
از و در ناز حاجت  
روا میگرد  
کند از اندر الخ  
از و در ناز حاجت  
روا میگرد  
کند از اندر الخ



سلسل البول ومانند آن را عذر د و در شد یا چیره زخم آت به  
 شدن زخم بر بخت درین صورتها بخت فرض بودن  
 خروج بفعل مصلی نماز نزد امام اعظم باطل شد و نزد  
 صاحبین باطل نشد **مسئله** اگر امام را حدث شود  
 مسبوق را خلیفه گرفت مسبوق نماز امام را تمام کند  
 پستتر خلیفه کند مذکر را تا سلام دهد یا قوم و آن مسبوق  
 استاده شود و نماز خود تمام کند **مسئله** اگر در رکوع یا سجود  
 حدث لاحق شود چون بنا کند آن رکوع و سجود را  
 عاده کند و اگر در رکوع و سجود یاد آمد که یک سجده از  
 رکعت اولی فوت شده بود یا سجده تلاوت فوت  
 شده بود آن سجده را قضا کند و اعاده این سجده مستحب  
 است واجب نیست و اگر امام را حدث شد و تقدی  
 یک مردست همان مرد بلا تعین خلیفه میشود و اگر تقدی

مسئله اولی است که در صورتی که در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد

در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد

در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد و در وقت نماز باشد









[illegible][illegible]



بشارت یا تسبیح نه بر دو مسلم اگر نماز کند یا روزه دو هفته  
 که است از آن نجس باشد اگر آن دو هفته مضرب نباشد نماز صحیح باشد  
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر یا روزه گسترانیده نماز کند  
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز و ایا باشد حرکت دادن  
 طرفی دیگر طرف تحک شود یا نشود و اگر یا روزه در آن باشد  
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر  
 زمین باشد اگر از تحک مصلی طرف یا روزه که نجس است تحک  
 میشود نماز روا نباشد و اگر تحک نشود روا باشد مسلم  
 کرده است عبرت کردن در نماز یا روزه یا بدن اگر عمل قلیل  
 باشد اگر عمل کثیر است نفس دست و شکر زنه از موضع سجود  
 یکسره کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد بیکبار یا دو بار  
 شکر زنه رفع کند و مکره است انگشتان را مالیده و کشیدن  
 با دوازده دست بر تکی گاه نهادن و تسبیح

اگر نماز کند یا روزه دو هفته  
 که است از آن نجس باشد اگر آن دو هفته مضرب نباشد نماز صحیح باشد  
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر یا روزه گسترانیده نماز کند  
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز و ایا باشد حرکت دادن  
 طرفی دیگر طرف تحک شود یا نشود و اگر یا روزه در آن باشد  
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر  
 زمین باشد اگر از تحک مصلی طرف یا روزه که نجس است تحک  
 میشود نماز روا نباشد و اگر تحک نشود روا باشد مسلم  
 کرده است عبرت کردن در نماز یا روزه یا بدن اگر عمل قلیل  
 باشد اگر عمل کثیر است نفس دست و شکر زنه از موضع سجود  
 یکسره کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد بیکبار یا دو بار  
 شکر زنه رفع کند و مکره است انگشتان را مالیده و کشیدن  
 با دوازده دست بر تکی گاه نهادن و تسبیح

اگر نماز کند یا روزه دو هفته  
 که است از آن نجس باشد اگر آن دو هفته مضرب نباشد نماز صحیح باشد  
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر یا روزه گسترانیده نماز کند  
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز و ایا باشد حرکت دادن  
 طرفی دیگر طرف تحک شود یا نشود و اگر یا روزه در آن باشد  
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر  
 زمین باشد اگر از تحک مصلی طرف یا روزه که نجس است تحک  
 میشود نماز روا نباشد و اگر تحک نشود روا باشد مسلم  
 کرده است عبرت کردن در نماز یا روزه یا بدن اگر عمل قلیل  
 باشد اگر عمل کثیر است نفس دست و شکر زنه از موضع سجود  
 یکسره کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد بیکبار یا دو بار  
 شکر زنه رفع کند و مکره است انگشتان را مالیده و کشیدن  
 با دوازده دست بر تکی گاه نهادن و تسبیح

اگر نماز کند یا روزه دو هفته  
 که است از آن نجس باشد اگر آن دو هفته مضرب نباشد نماز صحیح باشد  
 و اگر مضرب باشد صحیح نباشد و اگر یا روزه گسترانیده نماز کند  
 که یک طرف از آن نجس باشد نماز و ایا باشد حرکت دادن  
 طرفی دیگر طرف تحک شود یا نشود و اگر یا روزه در آن باشد  
 یک طرفی از آن پوشیده نماز گزارد و طرفی دیگر نجس بر  
 زمین باشد اگر از تحک مصلی طرف یا روزه که نجس است تحک  
 میشود نماز روا نباشد و اگر تحک نشود روا باشد مسلم  
 کرده است عبرت کردن در نماز یا روزه یا بدن اگر عمل قلیل  
 باشد اگر عمل کثیر است نفس دست و شکر زنه از موضع سجود  
 یکسره کردن مگر در صورتیکه سجود ممکن نباشد بیکبار یا دو بار  
 شکر زنه رفع کند و مکره است انگشتان را مالیده و کشیدن  
 با دوازده دست بر تکی گاه نهادن و تسبیح



عالم ابن  
فقد را بسبب جهل  
نمکد ازانی خست زرقا و  
نمکد ازانی عالمگیر پیشکش  
در فخر گوید درین زمانه  
اولی است و از نیاست که در هر اثر  
آورده که در دهه الا اذالم  
قرن ۱۱۰۰ و در هر یک  
بسیار یکبار از تصویر شد بران  
نشیند مضامین دارد زیرا که  
این تصاویر و غیره

41

بر این بانی که  
باینکه او را در  
و بدون  
ست در این  
نویز از اهل  
یا عضوی که  
در غایت  
تا از استاد  
حالی که  
از این  
باینکه

باز خبیب بسیار است  
ست باز در میان  
نظیر و در و در  
کافی گوید وقت  
اینها را که در  
این صورت  
که چون در  
اینجا  
در میان  
که در میان  
که در میان













و در نواح مصر جائز نیست دوم حضور پادشاه  
 یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شد ط نیست سوم  
 وقت ظهر چهارم خطبه <sup>مکرمه</sup> نزد ابی حنیفه ۷ خطبه  
 مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض  
 آنست که ذکر طویل باشد و دو خطبه خواندن مشتمل بر حمد  
 و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مسلمانان را  
 و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر  
 ائمه فرض است و نزد امام اعظم سنت است  
 و ترک آن مکروه و پنجم جماعت است و آن نزد شیعی  
 و احمد چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه سه کس  
 سواى امام و نزد ابی یوسف دو کس سواى امام  
 مسئله اگر در میانه نماز مردم جماعت بگریزند عدد جماعت  
 تمامند جمعه امام و باقی ماند با فاسد شود ظهر از سر گیرند

و در نواح مصر جائز نیست دوم حضور پادشاه  
 یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شد ط نیست سوم  
 وقت ظهر چهارم خطبه <sup>مکرمه</sup> نزد ابی حنیفه ۷ خطبه  
 مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض  
 آنست که ذکر طویل باشد و دو خطبه خواندن مشتمل بر حمد  
 و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مسلمانان را  
 و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر  
 ائمه فرض است و نزد امام اعظم سنت است  
 و ترک آن مکروه و پنجم جماعت است و آن نزد شیعی  
 و احمد چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه سه کس  
 سواى امام و نزد ابی یوسف دو کس سواى امام  
 مسئله اگر در میانه نماز مردم جماعت بگریزند عدد جماعت  
 تمامند جمعه امام و باقی ماند با فاسد شود ظهر از سر گیرند

و در نواح مصر جائز نیست دوم حضور پادشاه  
 یا نائب او و این نزد اکثر ائمه شد ط نیست سوم  
 وقت ظهر چهارم خطبه <sup>مکرمه</sup> نزد ابی حنیفه ۷ خطبه  
 مقدار یک تسبیح کفایت میکند و نزد صاحبین فرض  
 آنست که ذکر طویل باشد و دو خطبه خواندن مشتمل بر حمد  
 و صلوة و تلاوت قرآن و وصیت مسلمانان را  
 و استغفار برای نفس خود و برای مسلمانان نزد اکثر  
 ائمه فرض است و نزد امام اعظم سنت است  
 و ترک آن مکروه و پنجم جماعت است و آن نزد شیعی  
 و احمد چهل کس میباشد و نزد ابی حنیفه سه کس  
 سواى امام و نزد ابی یوسف دو کس سواى امام  
 مسئله اگر در میانه نماز مردم جماعت بگریزند عدد جماعت  
 تمامند جمعه امام و باقی ماند با فاسد شود ظهر از سر گیرند



اگر پیش از جمعه ظهر گزارد ظهر او نشود با کراهت تحریم  
 پستتر اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز غایب  
 نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه را یافت بهتر و الا ظهر  
 باز گزارد و نزد صاحبین اگر جمعه را در نیابد ظهر باطل نشود  
**مسئله** معذور و مسجون را روز جمعه نماز ظهر بجا بیاورد  
 گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه در تشهد  
 یابد و سجود و ریافت و داخل نماز شد بعد سلام  
 امام دو رکعت جمعه تمام کند و نیز در رکعت ثانیه  
 رکوع نیافیه است چهار رکعت ظهر همان تحریمیه تمام کند  
**مسئله** چون بعد از اذان اول گفته شود سعی واجب  
 اگر و و بیع حرام شود و چون امام بر آید برای تکبیر  
 گفتن و نماز گزار و ن متوع باشد تا که  
 از خطبه رخ شود و چون امام بمسجد رسید

اگر پیش از جمعه ظهر گزارد ظهر او نشود با کراهت تحریم  
 پستتر اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز غایب  
 نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه را یافت بهتر و الا ظهر  
 باز گزارد و نزد صاحبین اگر جمعه را در نیابد ظهر باطل نشود  
**مسئله** معذور و مسجون را روز جمعه نماز ظهر بجا بیاورد  
 گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه در تشهد  
 یابد و سجود و ریافت و داخل نماز شد بعد سلام  
 امام دو رکعت جمعه تمام کند و نیز در رکعت ثانیه  
 رکوع نیافیه است چهار رکعت ظهر همان تحریمیه تمام کند  
**مسئله** چون بعد از اذان اول گفته شود سعی واجب  
 اگر و و بیع حرام شود و چون امام بر آید برای تکبیر  
 گفتن و نماز گزار و ن متوع باشد تا که  
 از خطبه رخ شود و چون امام بمسجد رسید

اگر پیش از جمعه ظهر گزارد ظهر او نشود با کراهت تحریم  
 پستتر اگر برای جمعه سعی کرد و امام از جمعه هنوز غایب  
 نشده بود ظهر باطل شد پس اگر جمعه را یافت بهتر و الا ظهر  
 باز گزارد و نزد صاحبین اگر جمعه را در نیابد ظهر باطل نشود  
**مسئله** معذور و مسجون را روز جمعه نماز ظهر بجا بیاورد  
 گزاردن مکروه است **مسئله** هر که امام را در جمعه در تشهد  
 یابد و سجود و ریافت و داخل نماز شد بعد سلام  
 امام دو رکعت جمعه تمام کند و نیز در رکعت ثانیه  
 رکوع نیافیه است چهار رکعت ظهر همان تحریمیه تمام کند  
**مسئله** چون بعد از اذان اول گفته شود سعی واجب  
 اگر و و بیع حرام شود و چون امام بر آید برای تکبیر  
 گفتن و نماز گزار و ن متوع باشد تا که  
 از خطبه رخ شود و چون امام بمسجد رسید





مسئله روز عید الفطر سنت است که اول چیزی  
بخورد و صدقه فطر دهد و مسواک کند و غسل کند و احسن  
نیاب پوشد و خوشبو استعمال نماید و تکبیر گوید  
بسم الله الرحمن الرحیم و لیکن جمیع تکبیر نکند و چون آفتاب  
بلند شود و چشم خیره نماید از آن وقت تا پیش  
از زوال وقت نماز عیدین است و چون نماز  
عید خواند بعد تحریر در رکعت اوله تکبیر  
زوائد گوید و یا هر تکبیر هر دو دست بردارد و بعد  
تکبیرات ثنا خواند و در رکعت دوم بعد قرات پیش  
از رکوع سه تکبیر زوائد گوید و یا هر تکبیر هر دو دست  
بردارد و بعد تکبیر رکوع گوید این تکبیر رکوع در نماز عید  
واجب است اگر وقت شود سجده سهو لازم گردد و نماز  
عید اگر کسی همراه امام در نیابد آن راقضا نیست و اگر

[illegible]



[illegible]

۱۰ ص ۴۳۷ شصت و نه از عید اوافل گنارده کسی در کمال  
 بخت بود که او را بدین قدر خشنود از این است که از بی غریب از دست

[illegible]

و در آن روز که از راه آمدن و رفتن  
از خانه بیرون می آید و به راه  
می رود و در آن روز که از راه  
آمدن و رفتن از خانه بیرون می آید



و در هر رکعت شسته خواندن مستحب است در رکعت  
اولی اِذَا اُزِلَّتِ الْاَرْضُ و در رکعت ثانیه  
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندن نماز تجمیع سنت مؤکده  
است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی ترک فرموده  
و اگر احیاناً نافرست شده و از ده رکعت در روز قضا  
فرموده و نماز تجمیع از چهار رکعت کمتر نیامد و از ده رکعت  
رکعت زیاده هجده رکعت نیست پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم نماز و تربعه تجمیع نمیخواند سنت همین است  
هر که نفس خود اعتماد باشد و تربعه تجمیع آخر شب  
نخواند که این بهتر است و اگر اعتماد نباشد پیش از  
خواب بخواند که احتیاط در سنت پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم گاهی تجمیع مع و تربعه رکعت خوانده و گاهی  
یا زده و گاهی سیزده و گاهی پانزده و گاهی دو گانه

و در هر رکعت شسته خواندن مستحب است در رکعت  
اولی اِذَا اُزِلَّتِ الْاَرْضُ و در رکعت ثانیه  
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندن نماز تجمیع سنت مؤکده  
است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی ترک فرموده  
و اگر احیاناً نافرست شده و از ده رکعت در روز قضا  
فرموده و نماز تجمیع از چهار رکعت کمتر نیامد و از ده رکعت  
رکعت زیاده هجده رکعت نیست پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم نماز و تربعه تجمیع نمیخواند سنت همین است  
هر که نفس خود اعتماد باشد و تربعه تجمیع آخر شب  
نخواند که این بهتر است و اگر اعتماد نباشد پیش از  
خواب بخواند که احتیاط در سنت پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم گاهی تجمیع مع و تربعه رکعت خوانده و گاهی  
یا زده و گاهی سیزده و گاهی پانزده و گاهی دو گانه

در هر رکعت شسته خواندن مستحب است در رکعت  
اولی اِذَا اُزِلَّتِ الْاَرْضُ و در رکعت ثانیه  
قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ خواندن نماز تجمیع سنت مؤکده  
است پیغمبر صلی الله علیه وسلم گاهی ترک فرموده  
و اگر احیاناً نافرست شده و از ده رکعت در روز قضا  
فرموده و نماز تجمیع از چهار رکعت کمتر نیامد و از ده رکعت  
رکعت زیاده هجده رکعت نیست پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم نماز و تربعه تجمیع نمیخواند سنت همین است  
هر که نفس خود اعتماد باشد و تربعه تجمیع آخر شب  
نخواند که این بهتر است و اگر اعتماد نباشد پیش از  
خواب بخواند که احتیاط در سنت پیغمبر صلی الله  
علیه وسلم گاهی تجمیع مع و تربعه رکعت خوانده و گاهی  
یا زده و گاهی سیزده و گاهی پانزده و گاهی دو گانه













در چهار رکعت سه صد بار بخواند اگر مقدور  
داشته باشد این نماز هر روز خوانده باشد و اگر نه  
در هفته یک بار و الا در ماهی یک بار و الا در سال  
یک بار و الا در تمام عمر یک بار و بهتر آن است  
که در چهار رکعت از مستحبات چهار سوره خواند  
مستحبات هفت سوره است سوره نبی اسرائیل  
و حدید و حشر و صدف و جمع و تعابین و اعلی

نماز کسوف چون آفتاب کسوف کند سنت است که امام جمعه دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت یک رکوع کند مثل دیگر نمازها و قرائت بسیار در از خواند و آیه است و نزد صاحبین چهار قرائت کند و بعد نماز بذكر مشغول باشد تا که آفتاب روشن شود و اگر جماعت نباشد تنها خواند دو گانه یا چهار گانه همچنین در خسوف ماه و طلعت و شدت باد و زلزله و ما بینند آن طلب باران برای استسقا گاهی رسول الله صلی الله علیه و سلم فقط دعا فرموده و گاهی در خطبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استسقا نمود و پس و گاه نزد امام اعظم در استسقا نماز سنت موكده نیست بلکه گفته که استسقا دعا

# نماز کسوف

چون آفتاب کسوف کند سنت است که امام جمعه دو رکعت نماز گزارد و در هر رکعت یک رکوع کند مثل دیگر نمازها و قرائت بسیار در از خواند و آیه است و نزد صاحبین چهار قرائت کند و بعد نماز بذكر مشغول باشد تا که آفتاب روشن شود و اگر جماعت نباشد تنها خواند دو گانه یا چهار گانه همچنین در خسوف ماه و طلعت و شدت باد و زلزله و ما بینند آن طلب باران برای استسقا گاهی رسول الله

صلی الله علیه و سلم فقط دعا فرموده و گاهی در خطبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استسقا نمود و پس و گاه نزد امام اعظم در استسقا نماز سنت موكده نیست بلکه گفته که استسقا دعا

نماز کسوف و خسوف و طلعت و غروب ماه و زلزله و باد و زلزله و ما بینند آن طلب باران برای استسقا گاهی رسول الله صلی الله علیه و سلم فقط دعا فرموده و گاهی در خطبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استسقا نمود و پس و گاه نزد امام اعظم در استسقا نماز سنت موكده نیست بلکه گفته که استسقا دعا

نماز کسوف و خسوف و طلعت و غروب ماه و زلزله و باد و زلزله و ما بینند آن طلب باران برای استسقا گاهی رسول الله صلی الله علیه و سلم فقط دعا فرموده و گاهی در خطبه جمعه دعا کرده و عمر رضی الله عنه برای استسقا برآمد و استسقا نمود و پس و گاه نزد امام اعظم در استسقا نماز سنت موكده نیست بلکه گفته که استسقا دعا

[illegible]

اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد و اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد و اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد

دو گانه قضا کند و نزد امام ابی یوسف اگر نیت  
 چهار گانه کرده بود و پیش از قعدۀ اولی فاسد کرده  
 چهار رکعت قضا کند و همین خلاف است در آنکه  
 چهار رکعت نفل گزارد و در هر سه چهار رکعت  
 قرائت ترک کند یا در یک رکعت از شفعۀ ثانیه  
 قرائت کند و پس و اگر قرائت کرد در دو رکعت  
 اولین فقط یا در دو رکعت آخرین فقط یا ترک کرد  
 قرائت در یک رکعت از اولین یا در یک رکعت از  
 آخرین درین چهار صورت باتفاق دو گانه قضا کند  
 و اگر قرائت کرد در یک رکعت از اولین نه غیر آن یا در  
 از اولین و یکی از آخرین درین دو صورت نزد محمد  
 دو گانه قضا کند و نزد شیعین چهار گانه و از ترک کردن قعدۀ  
 اولی نزد محمد نماز باطل شود و نزد شیعین باطل نشود

اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد و اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد

اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد و اگر نیت چهار رکعت باشد و در رکعت اولی فاسد کرده باشد و در رکعت دوم و سیم و چهارم صحیح باشد





بلکه سجده سهو لازم آید اگر سهوا ترک کرده **مسئله**  
 اگر نذر کرد که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم  
 بجز آن پس حالفه شد قضا لازم آید **مسئله** نفل شسته  
 خواندن بی عذر با وجود قدرت بر قیام جائزست  
 لیکن شسته بی عذر خواندن ثواب یک درجه دارد  
 و استاده خواندن دو درجه و اگر استاده شروع  
 کرد و نشسته تمام کرد هم جائزست لیکن با کراهت  
 مگر بجز ماندگی و هم جائزست بسبب ماندگی تکبیر  
 و تکرار کردن در نفل **مسئله** نفل گزاردن بر اسب  
 یا شتر یا مانند آن خارج منجر جائزست با شاره  
 رکوع و سجود کند بهر سو که رو کند مگر کوب **مسئله**  
 اگر شروع کرد بر اسب پس بر زمین آمد همان نماز  
 یا رکوع و سجود تمام کند و نزد اسب بوسه نماز از

قوله حاج معصوم  
 نفل نذر کرد که فردا نماز نفل گزارم یا روزه دارم  
 بجز آن پس حالفه شد قضا لازم آید  
 خواندن بی عذر با وجود قدرت بر قیام جائزست  
 لیکن شسته بی عذر خواندن ثواب یک درجه دارد  
 و استاده خواندن دو درجه و اگر استاده شروع  
 کرد و نشسته تمام کرد هم جائزست لیکن با کراهت  
 مگر بجز ماندگی و هم جائزست بسبب ماندگی تکبیر  
 و تکرار کردن در نفل  
 یا شتر یا مانند آن خارج منجر جائزست با شاره  
 رکوع و سجود کند بهر سو که رو کند مگر کوب  
 اگر شروع کرد بر اسب پس بر زمین آمد همان نماز  
 یا رکوع و سجود تمام کند و نزد اسب بوسه نماز از

نفل

۱۳۳۳  
 ۱۳۳۴  
 ۱۳۳۵  
 ۱۳۳۶  
 ۱۳۳۷  
 ۱۳۳۸  
 ۱۳۳۹  
 ۱۳۴۰  
 ۱۳۴۱  
 ۱۳۴۲  
 ۱۳۴۳  
 ۱۳۴۴  
 ۱۳۴۵  
 ۱۳۴۶  
 ۱۳۴۷  
 ۱۳۴۸  
 ۱۳۴۹  
 ۱۳۵۰  
 ۱۳۵۱  
 ۱۳۵۲  
 ۱۳۵۳  
 ۱۳۵۴  
 ۱۳۵۵  
 ۱۳۵۶  
 ۱۳۵۷  
 ۱۳۵۸  
 ۱۳۵۹  
 ۱۳۶۰  
 ۱۳۶۱  
 ۱۳۶۲  
 ۱۳۶۳  
 ۱۳۶۴  
 ۱۳۶۵  
 ۱۳۶۶  
 ۱۳۶۷  
 ۱۳۶۸  
 ۱۳۶۹  
 ۱۳۷۰  
 ۱۳۷۱  
 ۱۳۷۲  
 ۱۳۷۳  
 ۱۳۷۴  
 ۱۳۷۵  
 ۱۳۷۶  
 ۱۳۷۷  
 ۱۳۷۸  
 ۱۳۷۹  
 ۱۳۸۰  
 ۱۳۸۱  
 ۱۳۸۲  
 ۱۳۸۳  
 ۱۳۸۴  
 ۱۳۸۵  
 ۱۳۸۶  
 ۱۳۸۷  
 ۱۳۸۸  
 ۱۳۸۹  
 ۱۳۹۰  
 ۱۳۹۱  
 ۱۳۹۲  
 ۱۳۹۳  
 ۱۳۹۴  
 ۱۳۹۵  
 ۱۳۹۶  
 ۱۳۹۷  
 ۱۳۹۸  
 ۱۳۹۹  
 ۱۴۰۰  
 ۱۴۰۱  
 ۱۴۰۲  
 ۱۴۰۳  
 ۱۴۰۴  
 ۱۴۰۵  
 ۱۴۰۶  
 ۱۴۰۷  
 ۱۴۰۸  
 ۱۴۰۹  
 ۱۴۱۰  
 ۱۴۱۱  
 ۱۴۱۲  
 ۱۴۱۳  
 ۱۴۱۴  
 ۱۴۱۵  
 ۱۴۱۶  
 ۱۴۱۷  
 ۱۴۱۸  
 ۱۴۱۹  
 ۱۴۲۰  
 ۱۴۲۱  
 ۱۴۲۲  
 ۱۴۲۳  
 ۱۴۲۴  
 ۱۴۲۵  
 ۱۴۲۶  
 ۱۴۲۷  
 ۱۴۲۸  
 ۱۴۲۹  
 ۱۴۳۰  
 ۱۴۳۱  
 ۱۴۳۲  
 ۱۴۳۳  
 ۱۴۳۴  
 ۱۴۳۵  
 ۱۴۳۶  
 ۱۴۳۷  
 ۱۴۳۸  
 ۱۴۳۹  
 ۱۴۴۰  
 ۱۴۴۱  
 ۱۴۴۲  
 ۱۴۴۳  
 ۱۴۴۴  
 ۱۴۴۵  
 ۱۴۴۶  
 ۱۴۴۷  
 ۱۴۴۸  
 ۱۴۴۹  
 ۱۴۵۰  
 ۱۴۵۱  
 ۱۴۵۲  
 ۱۴۵۳  
 ۱۴۵۴  
 ۱۴۵۵  
 ۱۴۵۶  
 ۱۴۵۷  
 ۱۴۵۸  
 ۱۴۵۹  
 ۱۴۶۰  
 ۱۴۶۱  
 ۱۴۶۲  
 ۱۴۶۳  
 ۱۴۶۴  
 ۱۴۶۵  
 ۱۴۶۶  
 ۱۴۶۷  
 ۱۴۶۸  
 ۱۴۶۹  
 ۱۴۷۰  
 ۱۴۷۱  
 ۱۴۷۲  
 ۱۴۷۳  
 ۱۴۷۴  
 ۱۴۷۵  
 ۱۴۷۶  
 ۱۴۷۷  
 ۱۴۷۸  
 ۱۴۷۹  
 ۱۴۸۰  
 ۱۴۸۱  
 ۱۴۸۲  
 ۱۴۸۳  
 ۱۴۸۴  
 ۱۴۸۵  
 ۱۴۸۶  
 ۱۴۸۷  
 ۱۴۸۸  
 ۱۴۸۹  
 ۱۴۹۰  
 ۱۴۹۱  
 ۱۴۹۲  
 ۱۴۹۳  
 ۱۴۹۴  
 ۱۴۹۵  
 ۱۴۹۶  
 ۱۴۹۷  
 ۱۴۹۸  
 ۱۴۹۹  
 ۱۵۰۰  
 ۱۵۰۱  
 ۱۵۰۲  
 ۱۵۰۳  
 ۱۵۰۴  
 ۱۵۰۵  
 ۱۵۰۶  
 ۱۵۰۷  
 ۱۵۰۸  
 ۱۵۰۹  
 ۱۵۱۰  
 ۱۵۱۱  
 ۱۵۱۲  
 ۱۵۱۳  
 ۱۵۱۴  
 ۱۵۱۵  
 ۱۵۱۶  
 ۱۵۱۷  
 ۱۵۱۸  
 ۱۵۱۹  
 ۱۵۲۰  
 ۱۵۲۱  
 ۱۵۲۲  
 ۱۵۲۳  
 ۱۵۲۴  
 ۱۵۲۵  
 ۱۵۲۶  
 ۱۵۲۷  
 ۱۵۲۸  
 ۱۵۲۹  
 ۱۵۳۰  
 ۱۵۳۱  
 ۱۵۳۲  
 ۱۵۳۳  
 ۱۵۳۴  
 ۱۵۳۵  
 ۱۵۳۶  
 ۱۵۳۷  
 ۱۵۳۸  
 ۱۵۳۹  
 ۱۵۴۰  
 ۱۵۴۱  
 ۱۵۴۲  
 ۱۵۴۳  
 ۱۵۴۴  
 ۱۵۴۵  
 ۱۵۴۶  
 ۱۵۴۷  
 ۱۵۴۸  
 ۱۵۴۹  
 ۱۵۵۰  
 ۱۵۵۱  
 ۱۵۵۲  
 ۱۵۵۳  
 ۱۵۵۴  
 ۱۵۵۵  
 ۱۵۵۶  
 ۱۵۵۷  
 ۱۵۵۸  
 ۱۵۵۹  
 ۱۵۶۰  
 ۱۵۶۱  
 ۱۵۶۲  
 ۱۵۶۳  
 ۱۵۶۴  
 ۱۵۶۵  
 ۱۵۶۶  
 ۱۵۶۷  
 ۱۵۶۸  
 ۱۵۶۹  
 ۱۵۷۰  
 ۱۵۷۱  
 ۱۵۷۲  
 ۱۵۷۳  
 ۱۵۷۴  
 ۱۵۷۵  
 ۱۵۷۶  
 ۱۵۷۷  
 ۱۵۷۸  
 ۱۵۷۹  
 ۱۵۸۰  
 ۱۵۸۱  
 ۱۵۸۲  
 ۱۵۸۳  
 ۱۵۸۴  
 ۱۵۸۵  
 ۱۵۸۶  
 ۱۵۸۷  
 ۱۵۸۸  
 ۱۵۸۹  
 ۱۵۹۰  
 ۱۵۹۱  
 ۱۵۹۲  
 ۱۵۹۳  
 ۱۵۹۴  
 ۱۵۹۵  
 ۱۵۹۶  
 ۱۵۹۷  
 ۱۵۹۸  
 ۱۵۹۹  
 ۱۶۰۰  
 ۱۶۰۱  
 ۱۶۰۲  
 ۱۶۰۳  
 ۱۶۰۴  
 ۱۶۰۵  
 ۱۶۰۶  
 ۱۶۰۷  
 ۱۶۰۸  
 ۱۶۰۹  
 ۱۶۱۰  
 ۱۶۱۱  
 ۱۶۱۲  
 ۱۶۱۳  
 ۱۶۱۴  
 ۱۶۱۵  
 ۱۶۱۶  
 ۱۶۱۷  
 ۱۶۱۸  
 ۱۶۱۹  
 ۱۶۲۰  
 ۱۶۲۱  
 ۱۶۲۲  
 ۱۶۲۳  
 ۱۶۲۴  
 ۱۶۲۵  
 ۱۶۲۶  
 ۱۶۲۷  
 ۱۶۲۸  
 ۱۶۲۹  
 ۱۶۳۰  
 ۱۶۳۱  
 ۱۶۳۲  
 ۱۶۳۳  
 ۱۶۳۴  
 ۱۶۳۵  
 ۱۶۳۶  
 ۱۶۳۷  
 ۱۶۳۸  
 ۱۶۳۹  
 ۱۶۴۰  
 ۱۶۴۱  
 ۱۶۴۲  
 ۱۶۴۳  
 ۱۶۴۴  
 ۱۶۴۵  
 ۱۶۴۶  
 ۱۶۴۷



سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر  
 سجدہ از قریب سجدہ بعد از آن سجدہ  
 نماز را سجدہ بعد از آن سجدہ  
 سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر

سجدہ کردن امام اقتدا کرد همسراہ امام سجدہ کند و اگر بعد  
 سجدہ کردن امام در همان رکعت داخل شد  
 اصلاً سجدہ نکند و اگر در رکعت دیگر داخل شد  
 بعد نماز سجدہ کند مانند کسی که اقتدا نکرده  
 سجدہ تلاوت که در نماز واجب  
 شدہ بعد نماز قضا نشود **مسئله** اگر کسی آیه  
 سجدہ خارج نماز خواند و سجدہ نکرد پس در  
 نماز شروع کرد و باز همان آیه خواند یک سجدہ  
 کفایت کند و اگر سجدہ کرد پس در نماز شروع کرد و  
 باز همان آیه خواند باز سجدہ کند **مسئله** اگر شخصی در  
 مجلسی یک آیه سجدہ بارها خواند یک سجدہ کفایت کند  
 و اگر آیه دیگر خواند یا مجلسی دیگر شد سجدہ دیگر کند و اگر  
 مجلس تلاوت کننده متحد است و مجلس سامع غیر متحد

سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر  
 سجدہ از قریب سجدہ بعد از آن سجدہ  
 نماز را سجدہ بعد از آن سجدہ  
 سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر

سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر  
 سجدہ از قریب سجدہ بعد از آن سجدہ  
 نماز را سجدہ بعد از آن سجدہ  
 سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر

سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر  
 سجدہ از قریب سجدہ بعد از آن سجدہ  
 نماز را سجدہ بعد از آن سجدہ  
 سجدہ کر کے درخت ازاد و قریب بعد از آن  
 واجب شدہ ہم در نماز را سجدہ کر











وسایان ۱۳ • از غلات و پرده





[illegible]

96

خاندان خود را در وقت  
 و در آن زمان که  
 و چون بنده اگر در وقت  
 شدیم بپوشیده که در وقت  
 ازین دوی ابرام و جبریل  
 فی الدار الحما فی وقت  
 بیت را یکا از آن وقت  
 و بعد از آن بیابار و در وقت  
 روزی که ایام و در وقت  
 وقت ایشان طایفه ایست  
 میر و خورشید و در وقت  
 و در وقت و در وقت  
 و در وقت و در وقت

[illegible]



تقدیر تعالیٰ ادا فرمائی کہ میری زندگی  
 میں یہ سب کچھ ہو گیا۔ تو ان کے لئے جو  
 اللہ تعالیٰ نے فرمایا ہے، میں نے اس  
 کے مطابق عمل کیا۔ میں نے اس  
 کے لئے جو اللہ تعالیٰ نے فرمایا ہے،  
 میں نے اس کے مطابق عمل کیا۔ میں  
 نے اس کے لئے جو اللہ تعالیٰ نے فرمایا  
 ہے، میں نے اس کے مطابق عمل کیا۔

منع نکرده درین صورت تها میت عذاب کرده شود بنوع  
اهل او و الا عذاب نکرده شود مسئله سنت نیست  
که در مصیبت اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ گوید و صبر کند  
مسئله طعام فرستادن برای اهل میت رو مصیبت  
ست **فصل** زیارت قبر مردان راجازست نه  
زنان را و سنت آن است که در مقابر رفته السلام علیکم  
یا اهل القبور من المسلمین و المؤمنین انتم لنا  
سلف و نحن لکم تبع و انا ان شاء الله بکم  
لا حقون یرحم الله المستقیدین منا و المستأخرین  
اسأل الله لنا و لکم العافیة یرحم الله لنا و لکم و یرحمنا  
الله و یا لکم از امیر المؤمنین علی رضی الله عنه مروی است  
از پیغمبر علیه الصلوة و السلام که هر که بر مقابر گذرد و  
قل هو الله احد یا زده بار خوانده بدردگان نبخشد

[illegible]

و علم قدرت بجا آورد  
 یے اختیار سے ایشان  
 دھاکے مغفرت از حق تعالی  
 یا ایل القبور ارج بگویند و قریب  
 سنون برت سبب عالم کیم  
 زاریت قبول است

[illegible][illegible]

موافق شمار مردگان او را هم ثواب داده شود و از  
ابی هریره مرویست مرفوعاً که هر که فاتحه و خلاص و  
سوره تکوین بخواند برای مردگان ثواب آن گرداند  
مردگان برای او شفیع باشند و از انس است مرفوعاً  
که هر که سوره یس در مقابر بخواند آنها را تخفیف کند  
حق تعالی و این را ثواب بعد از آنها باشد مسئله  
اکثر محققین بر آنند که اگر کسی مرده را ثواب نماز یا روزه  
یا صدقه یا دیگر عبادت مالی یا بدنی بجهت خود میسر  
مسئله سجده کردن بسوی قبور انبیاء و اولیاء و طواف  
گرد قبور کردن و دعا از آنها خواستن و نذر برای  
آنها قبول کردن حرام است بلکه خیر یا ازان بکفر میرساند  
پیغمبر صلی الله علیه و سلم بر آنها لعنت گفته و از آن  
منع فرموده و گفته که قبر مرأب نکند

بہشت عبادت گاہ بنیاد مسجد جامعہ دارالافتاء دارالعلوم دیوبند

باشد و فراغ باشد آن نصاب از حوالج اصلیه و دین و  
 نامی باشد و بروی سال تمام گذشته باشد مسئله اگر بعد  
 ای سال قریب باشد <sup>تا یک سال</sup>  
 ملک نصاب پیش از تمام سال زکوة یک سال  
 یا زکوة چند سال پیشگی ادا کرد ادا شود مسئله اگر مالک  
 یک نصاب زکوة چند نصاب داد و بعد ادا  
 زکوة مذکور مالک چند نصاب شد تا هم ادا اجازت باشد

مسئله زکوة در مال صبی و مجنون واجب نشود نزد ابی حنیفه  
 و نزد امام ثلثه واجب شود و والی از طرف او ادا کند  
 مسئله در مال ضامن یا لیکه گم شده باشد یا در و یا  
 افتاده باشد یا کسی غصب کرده باشد و بر آن شهود  
 نباشد یا در صحرا مدفون بود و مکانش فراموش شده باشد  
 یا دین باشد بر کسی و مدیون منکر باشد و شهود بر آن  
 نباشد یا پادشاه یا مانند آن یعنی کسیکه فریاد او نزد  
 دیگری ممکن نباشد بمصادره گرفته باشد درین چنین  
 مال زکوة واجب نیست و اگر این مال از دست  
 آید بابت ایام گذشته زکوة واجب نشود و اگر دین  
 باشد بر مقرر اگر چه مفلس باشد یا بر آن دین شهود باشد  
 یا در علم قاضی باشد یا در خانه مدفون باشد مکان  
 آن فراموش شده باشد و درین چنین مال زکوة

فکر در مال غنای آن مالی  
 است که انتفاع بوی غایب  
 ممکن نباشد یا بوی غایب  
 در وی گذشتی عالمی بقای مال  
 عن الخط ۱۱  
 غصب کرده باشد یا غصب شده  
 که در آن زکوة نیست اگر چه  
 غاصب بر مقرر باشد که فی الحال  
 ۱۱ فکرة شود نباشد  
 ۱۰۲  
 اگر مال اینها را  
 شود و اگر غصب  
 واجب شود و اگر  
 شود که فی الحال  
 بود و اگر چه  
 حاصل شد و اگر چه  
 مردم از آن زکوة  
 گذشتی چنین  
 یعنی زکوة ایام گذشته ۱۲













[illegible]

دران علامت اسلامست مثل سکه اهل اسلام آن را  
حکم لفظ است مالک را تلاش کرده باید رسانید و اگر دران  
علامت کفر باشد خمس گرفته شود و باقی یابنده رست  
مسئله مصرف زکوة فقیرست که مالک که ازضا  
باشد و سکنی که مالک هیچ نباشد و کتابت است برای  
ادای مال کتابت و دیون است که مالک نصاب  
است لیکن نصاب او فاضل از دین نیست  
و غازی که اسباب غرزه ندارد از اسپ براق و کشتی که  
مال دارد در وطن و او در سفرست بعد از وطن مال  
همراه ندارد ازین اصناف یک صنعت را بدید یا همه  
شان را لیکن زکوة دهند مال زکوة باصول و فروع و  
زوج خود یا زوج خود و بنده خود و کتابت خود و مدبر و ام  
وله خودند و خلاصی را که بعضا و ازاد باشند هم ندید

[illegible]

المعروف بالادب  
و درین حالت دفای شعله  
نفسانیست که باک سر  
زادون فقیر جلیل عالمگیر عالمیت  
و سر عورت پیشه دوزخ سوال با  
فی حق تعالی نیست و فقیر ارجا نیست که درین  
السرخی باشد و الا کما نیست که درین  
درون بین تیرست و فقیر اصغر  
و درین حال که درین  
کلیت است





و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد

بطلوع فجر روز عید پس کسیکه پیش از صبح عید ببرد  
 یا بعد صبح زائیده شد و یا اسلام آورد صدقه آن  
 واجب نشود و پیش از عید هم ادائی صدقه فطر  
 جائز است لیکن مسنون آنست که پیش از خروج  
 بمصلی ادا کند اگر روز عید صدقه فطر ادا نکرد هرگاه خوا  
 قضا کند مسئله مقدار صدقه فطر نصف صاع است  
 از گندم یا آرد گندم یا ستوی گندم یا یک صاع است  
 از خرما یا جو و گشش مثل گندم است نزد امام اعظم  
 و مثل جو نزد صاحبین صاع ظرفی باشد که در آن هشت  
 رطل از حدس یا ماش یا مانند آن گنجد و نوز  
 ابی یوسف پنج رطل و ثلث رطل و رطل است  
 استار باشد هر استار چهار و نیم مثقال پس وزن  
 یک رطل برابری و شش رویه سکه دهلی است

و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد

و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد

و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد

و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد  
 و اگر کسی بخواهد صدقه فطر بدهد باید که در روز عید پیش از صبح عید ببرد





١٠٠  
 ١٠١  
 ١٠٢  
 ١٠٣  
 ١٠٤  
 ١٠٥  
 ١٠٦  
 ١٠٧  
 ١٠٨  
 ١٠٩  
 ١١٠  
 ١١١  
 ١١٢  
 ١١٣  
 ١١٤  
 ١١٥  
 ١١٦  
 ١١٧  
 ١١٨  
 ١١٩  
 ١٢٠  
 ١٢١  
 ١٢٢  
 ١٢٣  
 ١٢٤  
 ١٢٥  
 ١٢٦  
 ١٢٧  
 ١٢٨  
 ١٢٩  
 ١٣٠  
 ١٣١  
 ١٣٢  
 ١٣٣  
 ١٣٤  
 ١٣٥  
 ١٣٦  
 ١٣٧  
 ١٣٨  
 ١٣٩  
 ١٤٠  
 ١٤١  
 ١٤٢  
 ١٤٣  
 ١٤٤  
 ١٤٥  
 ١٤٦  
 ١٤٧  
 ١٤٨  
 ١٤٩  
 ١٥٠  
 ١٥١  
 ١٥٢  
 ١٥٣  
 ١٥٤  
 ١٥٥  
 ١٥٦  
 ١٥٧  
 ١٥٨  
 ١٥٩  
 ١٦٠  
 ١٦١  
 ١٦٢  
 ١٦٣  
 ١٦٤  
 ١٦٥  
 ١٦٦  
 ١٦٧  
 ١٦٨  
 ١٦٩  
 ١٧٠  
 ١٧١  
 ١٧٢  
 ١٧٣  
 ١٧٤  
 ١٧٥  
 ١٧٦  
 ١٧٧  
 ١٧٨  
 ١٧٩  
 ١٨٠  
 ١٨١  
 ١٨٢  
 ١٨٣  
 ١٨٤  
 ١٨٥  
 ١٨٦  
 ١٨٧  
 ١٨٨  
 ١٨٩  
 ١٩٠  
 ١٩١  
 ١٩٢  
 ١٩٣  
 ١٩٤  
 ١٩٥  
 ١٩٦  
 ١٩٧  
 ١٩٨  
 ١٩٩  
 ٢٠٠  
 ٢٠١  
 ٢٠٢  
 ٢٠٣  
 ٢٠٤  
 ٢٠٥  
 ٢٠٦  
 ٢٠٧  
 ٢٠٨  
 ٢٠٩  
 ٢١٠  
 ٢١١  
 ٢١٢  
 ٢١٣  
 ٢١٤  
 ٢١٥  
 ٢١٦  
 ٢١٧  
 ٢١٨  
 ٢١٩  
 ٢٢٠  
 ٢٢١  
 ٢٢٢  
 ٢٢٣  
 ٢٢٤  
 ٢٢٥  
 ٢٢٦  
 ٢٢٧  
 ٢٢٨  
 ٢٢٩  
 ٢٣٠  
 ٢٣١  
 ٢٣٢  
 ٢٣٣  
 ٢٣٤  
 ٢٣٥  
 ٢٣٦  
 ٢٣٧  
 ٢٣٨  
 ٢٣٩  
 ٢٤٠  
 ٢٤١  
 ٢٤٢  
 ٢٤٣  
 ٢٤٤  
 ٢٤٥  
 ٢٤٦  
 ٢٤٧  
 ٢٤٨  
 ٢٤٩  
 ٢٥٠  
 ٢٥١  
 ٢٥٢  
 ٢٥٣  
 ٢٥٤  
 ٢٥٥  
 ٢٥٦  
 ٢٥٧  
 ٢٥٨  
 ٢٥٩  
 ٢٦٠  
 ٢٦١  
 ٢٦٢  
 ٢٦٣  
 ٢٦٤  
 ٢٦٥  
 ٢٦٦  
 ٢٦٧  
 ٢٦٨  
 ٢٦٩  
 ٢٧٠  
 ٢٧١  
 ٢٧٢  
 ٢٧٣  
 ٢٧٤  
 ٢٧٥  
 ٢٧٦  
 ٢٧٧  
 ٢٧٨  
 ٢٧٩  
 ٢٨٠  
 ٢٨١  
 ٢٨٢  
 ٢٨٣  
 ٢٨٤  
 ٢٨٥  
 ٢٨٦  
 ٢٨٧  
 ٢٨٨  
 ٢٨٩  
 ٢٩٠  
 ٢٩١  
 ٢٩٢  
 ٢٩٣  
 ٢٩٤  
 ٢٩٥  
 ٢٩٦  
 ٢٩٧  
 ٢٩٨  
 ٢٩٩  
 ٣٠٠  
 ٣٠١  
 ٣٠٢  
 ٣٠٣  
 ٣٠٤  
 ٣٠٥  
 ٣٠٦  
 ٣٠٧  
 ٣٠٨  
 ٣٠٩  
 ٣١٠  
 ٣١١  
 ٣١٢  
 ٣١٣  
 ٣١٤  
 ٣١٥  
 ٣١٦  
 ٣١٧  
 ٣١٨  
 ٣١٩  
 ٣٢٠  
 ٣٢١  
 ٣٢٢  
 ٣٢٣  
 ٣٢٤  
 ٣٢٥  
 ٣٢٦  
 ٣٢٧  
 ٣٢٨  
 ٣٢٩  
 ٣٣٠  
 ٣٣١  
 ٣٣٢  
 ٣٣٣  
 ٣٣٤  
 ٣٣٥  
 ٣٣٦  
 ٣٣٧  
 ٣٣٨  
 ٣٣٩  
 ٣٤٠  
 ٣٤١  
 ٣٤٢  
 ٣٤٣  
 ٣٤٤  
 ٣٤٥  
 ٣٤٦  
 ٣٤٧  
 ٣٤٨  
 ٣٤٩  
 ٣٥٠  
 ٣٥١  
 ٣٥٢  
 ٣٥٣  
 ٣٥٤  
 ٣٥٥  
 ٣٥٦  
 ٣٥٧  
 ٣٥٨  
 ٣٥٩  
 ٣٦٠  
 ٣٦١  
 ٣٦٢  
 ٣٦٣  
 ٣٦٤  
 ٣٦٥  
 ٣٦٦  
 ٣٦٧  
 ٣٦٨  
 ٣٦٩  
 ٣٧٠  
 ٣٧١  
 ٣٧٢  
 ٣٧٣  
 ٣٧٤  
 ٣٧٥  
 ٣٧٦  
 ٣٧٧  
 ٣٧٨  
 ٣٧٩  
 ٣٨٠  
 ٣٨١  
 ٣٨٢  
 ٣٨٣  
 ٣٨٤  
 ٣٨٥  
 ٣٨٦  
 ٣٨٧  
 ٣٨٨  
 ٣٨٩  
 ٣٩٠  
 ٣٩١  
 ٣٩٢  
 ٣٩٣  
 ٣٩٤  
 ٣٩٥  
 ٣٩٦  
 ٣٩٧  
 ٣٩٨  
 ٣٩٩  
 ٤٠٠  
 ٤٠١  
 ٤٠٢  
 ٤٠٣  
 ٤٠٤  
 ٤٠٥  
 ٤٠٦  
 ٤٠٧  
 ٤٠٨  
 ٤٠٩  
 ٤١٠  
 ٤١١  
 ٤١٢  
 ٤١٣  
 ٤١٤  
 ٤١٥  
 ٤١٦  
 ٤١٧  
 ٤١٨  
 ٤١٩  
 ٤٢٠  
 ٤٢١  
 ٤٢٢  
 ٤٢٣  
 ٤٢٤  
 ٤٢٥  
 ٤٢٦  
 ٤٢٧  
 ٤٢٨  
 ٤٢٩  
 ٤٣٠  
 ٤٣١  
 ٤٣٢  
 ٤٣٣  
 ٤٣٤  
 ٤٣٥  
 ٤٣٦  
 ٤٣٧  
 ٤٣٨  
 ٤٣٩  
 ٤٤٠  
 ٤٤١  
 ٤٤٢  
 ٤٤٣  
 ٤٤٤  
 ٤٤٥  
 ٤٤٦  
 ٤٤٧  
 ٤٤٨  
 ٤٤٩  
 ٤٥٠  
 ٤٥١  
 ٤٥٢  
 ٤٥٣  
 ٤٥٤  
 ٤٥٥  
 ٤٥٦  
 ٤٥٧  
 ٤٥٨  
 ٤٥٩  
 ٤٦٠  
 ٤٦١  
 ٤٦٢  
 ٤٦٣  
 ٤٦٤  
 ٤٦٥  
 ٤٦٦  
 ٤٦٧  
 ٤٦٨  
 ٤٦٩  
 ٤٧٠  
 ٤٧١

که در آن ثواب نباشد و نه منفعتی در دنیا و خط نفس  
زیاده از حق نفس معتبر نیست **مسئله** اول باز  
صدقه نافع به بنی ما ششم بدهد که زکوة بر آنها  
حرام است و بتواضع و احترام نظر بر قربت رسول الله  
صلی الله علیه و سلم بگذرانند **مسئله** صدقه نافع به بنی  
را و اذن جائز است نه حرابی را **مسئله** ضیافت  
سهمان تا سه روز نیست مؤکده است و بعد از آن مستحب

كتاب الصوفى

یکی از ارکان اسلام روز چهارم مبارک رمضان است  
قرض است قطعی بر هر مسلم کفاف منکر آن کافر بود  
و تارک بخیذ و فاسق و زحیمین است که ابوهریره از  
رسول کریم صلی الله علیه و سلم روایت کرده که هر عمل  
این آدم زیاده داده میشود و ثواب آن ده چند





در سال اردن غسل هر روز و نیت ماه رمضان و نیت دیدن

جائز نیست و نزدائمه ثلثه هر سه روزه رمضان را  
 هر شب نیت علحدہ علحدہ شرط نیست و نزد مالک است  
 تمام رمضان شب اول یک نیت کافی است اگر  
 اول شب ماه نیت روزه کرد و در میان رمضان  
 مجنون شد و چند روزه در جنون گذشت و مفطرات  
 صوم از او بوقوع نیامد نزد مالک روزهای او صحیح شد و نزد  
 ائمه ثلثه ایام جنون را روزه قضا کند برای فوت نیت  
 و اگر جنون تمام ماه رمضان را در گرفت روزه ساقط شود  
 قضا واجب نگردد و اگر یک ساعت از رمضان مجنون را  
 افاق شد ایام گذشته را قضا کند اگر چه در حالت بلوغ  
 مجنون بود یا بعد از آن مجنون شد مسئله بدین ماه  
 رمضان یا تمام شدن سی روز شعبان روزه واجب  
 شود و برای شهادت ماه رمضان اگر

کذا فی  
 الدرر  
 و دیگر  
 است  
 اشاره  
 کردن  
 معلوم  
 عدل  
 حکم  
 از حد  
 حکم  
 قبل  
 از انزال  
 باید  
 آن  
 بنابر  
 خبر

نیت دیدن ماه رمضان و نیت ماه رمضان و نیت دیدن

[illegible]



۱۰۰  
 ۱۰۱  
 ۱۰۲  
 ۱۰۳  
 ۱۰۴  
 ۱۰۵  
 ۱۰۶  
 ۱۰۷  
 ۱۰۸  
 ۱۰۹  
 ۱۱۰  
 ۱۱۱  
 ۱۱۲  
 ۱۱۳  
 ۱۱۴  
 ۱۱۵  
 ۱۱۶  
 ۱۱۷  
 ۱۱۸  
 ۱۱۹  
 ۱۲۰  
 ۱۲۱  
 ۱۲۲  
 ۱۲۳  
 ۱۲۴  
 ۱۲۵  
 ۱۲۶  
 ۱۲۷  
 ۱۲۸  
 ۱۲۹  
 ۱۳۰  
 ۱۳۱  
 ۱۳۲  
 ۱۳۳  
 ۱۳۴  
 ۱۳۵  
 ۱۳۶  
 ۱۳۷  
 ۱۳۸  
 ۱۳۹  
 ۱۴۰  
 ۱۴۱  
 ۱۴۲  
 ۱۴۳  
 ۱۴۴  
 ۱۴۵  
 ۱۴۶  
 ۱۴۷  
 ۱۴۸  
 ۱۴۹  
 ۱۵۰  
 ۱۵۱  
 ۱۵۲  
 ۱۵۳  
 ۱۵۴  
 ۱۵۵  
 ۱۵۶  
 ۱۵۷  
 ۱۵۸  
 ۱۵۹  
 ۱۶۰  
 ۱۶۱  
 ۱۶۲  
 ۱۶۳  
 ۱۶۴  
 ۱۶۵  
 ۱۶۶  
 ۱۶۷  
 ۱۶۸  
 ۱۶۹  
 ۱۷۰  
 ۱۷۱  
 ۱۷۲  
 ۱۷۳  
 ۱۷۴  
 ۱۷۵  
 ۱۷۶  
 ۱۷۷  
 ۱۷۸  
 ۱۷۹  
 ۱۸۰  
 ۱۸۱  
 ۱۸۲  
 ۱۸۳  
 ۱۸۴  
 ۱۸۵  
 ۱۸۶  
 ۱۸۷  
 ۱۸۸  
 ۱۸۹  
 ۱۹۰  
 ۱۹۱  
 ۱۹۲  
 ۱۹۳  
 ۱۹۴  
 ۱۹۵  
 ۱۹۶  
 ۱۹۷  
 ۱۹۸  
 ۱۹۹  
 ۲۰۰  
 ۲۰۱  
 ۲۰۲  
 ۲۰۳  
 ۲۰۴  
 ۲۰۵  
 ۲۰۶  
 ۲۰۷  
 ۲۰۸  
 ۲۰۹  
 ۲۱۰  
 ۲۱۱  
 ۲۱۲  
 ۲۱۳  
 ۲۱۴  
 ۲۱۵  
 ۲۱۶  
 ۲۱۷  
 ۲۱۸  
 ۲۱۹  
 ۲۲۰  
 ۲۲۱  
 ۲۲۲  
 ۲۲۳  
 ۲۲۴  
 ۲۲۵  
 ۲۲۶  
 ۲۲۷  
 ۲۲۸  
 ۲۲۹  
 ۲۳۰  
 ۲۳۱  
 ۲۳۲  
 ۲۳۳  
 ۲۳۴  
 ۲۳۵  
 ۲۳۶  
 ۲۳۷  
 ۲۳۸  
 ۲۳۹  
 ۲۴۰  
 ۲۴۱  
 ۲۴۲  
 ۲۴۳  
 ۲۴۴  
 ۲۴۵  
 ۲۴۶  
 ۲۴۷  
 ۲۴۸  
 ۲۴۹  
 ۲۵۰  
 ۲۵۱  
 ۲۵۲  
 ۲۵۳  
 ۲۵۴  
 ۲۵۵  
 ۲۵۶  
 ۲۵۷  
 ۲۵۸  
 ۲۵۹  
 ۲۶۰  
 ۲۶۱  
 ۲۶۲  
 ۲۶۳  
 ۲۶۴  
 ۲۶۵  
 ۲۶۶  
 ۲۶۷  
 ۲۶۸  
 ۲۶۹  
 ۲۷۰  
 ۲۷۱  
 ۲۷۲  
 ۲۷۳  
 ۲۷۴  
 ۲۷۵  
 ۲۷۶  
 ۲۷۷  
 ۲۷۸  
 ۲۷۹  
 ۲۸۰  
 ۲۸۱  
 ۲۸۲  
 ۲۸۳  
 ۲۸۴  
 ۲۸۵  
 ۲۸۶  
 ۲۸۷  
 ۲۸۸  
 ۲۸۹  
 ۲۹۰  
 ۲۹۱  
 ۲۹۲  
 ۲۹۳  
 ۲۹۴  
 ۲۹۵  
 ۲۹۶  
 ۲۹۷  
 ۲۹۸  
 ۲۹۹  
 ۳۰۰  
 ۳۰۱  
 ۳۰۲  
 ۳۰۳  
 ۳۰۴  
 ۳۰۵  
 ۳۰۶  
 ۳۰۷  
 ۳۰۸  
 ۳۰۹  
 ۳۱۰  
 ۳۱۱  
 ۳۱۲  
 ۳۱۳  
 ۳۱۴  
 ۳۱۵  
 ۳۱۶  
 ۳۱۷  
 ۳۱۸  
 ۳۱۹  
 ۳۲۰  
 ۳۲۱  
 ۳۲۲  
 ۳۲۳  
 ۳۲۴  
 ۳۲۵  
 ۳۲۶  
 ۳۲۷  
 ۳۲۸  
 ۳۲۹  
 ۳۳۰  
 ۳۳۱  
 ۳۳۲  
 ۳۳۳  
 ۳۳۴  
 ۳۳۵  
 ۳۳۶  
 ۳۳۷  
 ۳۳۸  
 ۳۳۹  
 ۳۴۰  
 ۳۴۱  
 ۳۴۲  
 ۳۴۳  
 ۳۴۴  
 ۳۴۵  
 ۳۴۶  
 ۳۴۷  
 ۳۴۸  
 ۳۴۹  
 ۳۵۰  
 ۳۵۱  
 ۳۵۲  
 ۳۵۳  
 ۳۵۴  
 ۳۵۵  
 ۳۵۶  
 ۳۵۷  
 ۳۵۸  
 ۳۵۹  
 ۳۶۰  
 ۳۶۱  
 ۳۶۲  
 ۳۶۳  
 ۳۶۴  
 ۳۶۵  
 ۳۶۶  
 ۳۶۷  
 ۳۶۸  
 ۳۶۹  
 ۳۷۰  
 ۳۷۱  
 ۳۷۲  
 ۳۷۳  
 ۳۷۴  
 ۳۷۵  
 ۳۷۶  
 ۳۷۷  
 ۳۷۸  
 ۳۷۹  
 ۳۸۰  
 ۳۸۱  
 ۳۸۲  
 ۳۸۳  
 ۳۸۴  
 ۳۸۵  
 ۳۸۶  
 ۳۸۷  
 ۳۸۸  
 ۳۸۹  
 ۳۹۰  
 ۳۹۱  
 ۳۹۲  
 ۳۹۳  
 ۳۹۴  
 ۳۹۵  
 ۳۹۶  
 ۳۹۷  
 ۳۹۸  
 ۳۹۹  
 ۴۰۰  
 ۴۰۱  
 ۴۰۲  
 ۴۰۳  
 ۴۰۴  
 ۴۰۵  
 ۴۰۶  
 ۴۰۷  
 ۴۰۸  
 ۴۰۹  
 ۴۱۰  
 ۴۱۱  
 ۴۱۲  
 ۴۱۳  
 ۴۱۴  
 ۴۱۵  
 ۴۱۶  
 ۴۱۷  
 ۴۱۸  
 ۴۱۹  
 ۴۲۰  
 ۴۲۱  
 ۴۲۲  
 ۴۲۳  
 ۴۲۴  
 ۴۲۵  
 ۴۲۶  
 ۴۲۷  
 ۴۲۸  
 ۴۲۹  
 ۴۳۰  
 ۴۳۱  
 ۴۳۲  
 ۴۳۳  
 ۴۳۴  
 ۴۳۵  
 ۴۳۶  
 ۴۳۷  
 ۴۳۸  
 ۴۳۹  
 ۴۴۰  
 ۴۴۱  
 ۴۴۲  
 ۴۴۳  
 ۴۴۴  
 ۴۴۵  
 ۴۴۶  
 ۴۴۷  
 ۴۴۸  
 ۴۴۹  
 ۴۵۰  
 ۴۵۱  
 ۴۵۲  
 ۴۵۳  
 ۴۵۴  
 ۴۵۵  
 ۴۵۶  
 ۴۵۷  
 ۴۵۸  
 ۴۵۹  
 ۴۶۰  
 ۴۶۱  
 ۴۶۲  
 ۴۶۳  
 ۴۶۴  
 ۴۶۵  
 ۴۶۶  
 ۴۶۷  
 ۴۶۸  
 ۴۶۹  
 ۴۷۰  
 ۴۷۱

[illegible][illegible][illegible]





کفارت و بچین اگر در رمضان نه نیت روزه کرده نه نیت افطار و هیچ از مفطرات صوم از او بوقوع نیامد قضا واجب شود نه کفارت و اگر در رمضان نیت روزه نکرد و طعام خورد و نزد امام عظم کفارت واجب نشود و نزد صاحبین واجب شود و اگر روزه را فراموش کرد و در حالت فراموشی طعام یا آب خورد یا جماع کرد و روزه فاسد نشود و قضا واجب نگردد و همچنین احتلام و انزال بنظر شهوت و روغن بریدن مالیدن و سهرمه و چشم کشیدن و غلبت کسی کردن و حجامت کردن و بقیصتی آمدن اگر چه کثیر باشد و بقیصتی اندک کردن و آب در گوش چکانیدن روزه را فاسد نمیکند و اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد

صاحبین واجب شود اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد صاحبین واجب شود و اگر روزه را فراموش کرد و در حالت فراموشی طعام یا آب خورد یا جماع کرد و روزه فاسد نشود و قضا واجب نگردد و همچنین احتلام و انزال بنظر شهوت و روغن بریدن مالیدن و سهرمه و چشم کشیدن و غلبت کسی کردن و حجامت کردن و بقیصتی آمدن اگر چه کثیر باشد و بقیصتی اندک کردن و آب در گوش چکانیدن روزه را فاسد نمیکند و اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد

فاسد نشود و قضا واجب نگردد و همچنین احتلام و انزال بنظر شهوت و روغن بریدن مالیدن و سهرمه و چشم کشیدن و غلبت کسی کردن و حجامت کردن و بقیصتی آمدن اگر چه کثیر باشد و بقیصتی اندک کردن و آب در گوش چکانیدن روزه را فاسد نمیکند و اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد

صاحبین واجب شود اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد صاحبین واجب شود و اگر روزه را فراموش کرد و در حالت فراموشی طعام یا آب خورد یا جماع کرد و روزه فاسد نشود و قضا واجب نگردد و همچنین احتلام و انزال بنظر شهوت و روغن بریدن مالیدن و سهرمه و چشم کشیدن و غلبت کسی کردن و حجامت کردن و بقیصتی آمدن اگر چه کثیر باشد و بقیصتی اندک کردن و آب در گوش چکانیدن روزه را فاسد نمیکند و اگر در روز و روغن یا چیزی دیگر چکانید نزد امام عظم روزه فاسد نشود و نزد



نزدابی یوسف فاسد شود نه نزد محمد و اگر قلیل بقصد  
 فرو برد نزد محمد فاسد شود نه نزد ابی یوسف <sup>چرا که بری دهن است ۱۲ و هو ایضاً ۱۲ نهان</sup> خشین  
 پخیری یا خائیدن پخیری بخیذر و در روزه مکروه است <sup>چرا که بقصد است ۱۲ زیرا که بری دهن نیست</sup>  
 و طعام برای طفل خائیدن در صورت ضرورت  
 جائز باشد و مضمضه و استنشاق برای دفع گرمی <sup>بدون کرامت ۱۲ بدون وضو ۱۲</sup>  
 و همچنین غسل برای دفع گرمی و پارچه تر چیدن نزد  
 امام اعظم مکروه است تنهیا که بر خرع دلیل است  
 و نزد ابی یوسف مکروه نیست مسئله اگر شب مجنب شد  
 و صبح کرد صائم در حالت جنابت روزه او صحیح است  
 لیکن مستحب است که پیش از طلوع صبح غسل کند  
 مسئله علما اتفاق دارند بر آنکه در روزه دروغ گفتن یا  
 غیبت کسی کردن یا یکی نامترا گفتن روزه را فاسد نمیکند  
 لیکن سخت مکروه است و نزد اوزاعی روزه او فاسد شود

[illegible][illegible]

و قتل سے کہو کہ وہ سے دارم  
جائز سے کہو کہ وہ سے دارم  
و اصوم سے کہو کہ وہ سے دارم  
عبادان سے کہو کہ وہ سے دارم  
دارم و عفت سے کہو کہ وہ سے دارم  
دعائے خیر سے کہو کہ وہ سے دارم  
شفقت سے کہو کہ وہ سے دارم  
کہ عفو سے کہو کہ وہ سے دارم  
سنت سے کہو کہ وہ سے دارم  
و اقامہ سے کہو کہ وہ سے دارم  
بہار سے کہو کہ وہ سے دارم





فصل اول در بیان وجوب نیت قضا و قضاء در روزی که در آن نیت قضا باشد واجب است که در آن روز قضا کند و اگر در آن روز نیت قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است

مسئله زن حامله یا شیردهنده اگر بنفس خود یا بچیه خود خوف کند افطار کند و قضا کند و فدیهِ واجب نیست فصل روزه نفل بشروع واجب شود مگر روزه ایام منیبه و افطار روزه نفل بغیر روان نیست و بگذرد رواست و ضیافت هم عذرست افطار کند و قضا لازم شود مسئله اگر در روز رمضان طفل بالغ شد یا کافر مسلمان گشت یا مسافر تقیم شد یا حائضه پاک شد اشاک باقی روز واجب شود و امساک کرد یا نکرد در هر صورت قضا واجب نشود مگر بر مسافر و حائض مسئله روز عید الفطر و عید اضحی و ایام تشریق روزه حرامست از شروع در آن روز روزه واجب نشود لیکن اگر نذر کرد روزه این ایام را یا روزه تمام سال را در هر دو صورت درین روز با افطار کند و قضا کند

در روزی که نیت قضا باشد واجب است که در آن روز قضا کند و اگر در آن روز نیت قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است

فصل دوم در بیان وجوب نیت قضا و قضاء در روزی که در آن نیت قضا باشد واجب است که در آن روز قضا کند و اگر در آن روز نیت قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است و اگر در روزی که نیت قضا باشد در آن روز قضا نکند و در روز دیگر قضا کند آن قضا باطل است







[illegible]









و درین چنین حالت اگر مال غیر مقدار سه ریخ خورد به  
 ادای قیمت آن روا باشد لیکن اگر احتیاط کرد و بمرد  
 باجور شود آثم نشود مسئله دو خوردن در یک بار  
 جائز است واجب نیست اگر دو نخورد و بمرد آثم نشود  
 مسئله خوردن انواع قوا که و اطعمه لذیذه جائز است  
 لیکن اسراف در آن و افراط ممنوع است مسئله  
 استعمال ظروف طلا و نقره بزه و وزن حرام است  
 مسئله شراب انگوری از آب خام انگور که مسکر شود و  
 کف آرد نجس است نجاست غلیظه و حرام است قطعی  
 سُکر آن کافرست و شرابی که از خرمائی تر سازند  
 یا از بختمش که مسکر شود و کف آرد و طلا که آب انگور  
 بنزد چون کمتر از دو ثلث خشک شود نجس اند  
 تا مسکر شود و کف آرد این هر سه قسم نجس است

است  
 درین چنین حالت  
 اگر مال غیر مقدار سه ریخ  
 خورد به  
 ادای قیمت آن  
 روا باشد لیکن  
 اگر احتیاط کرد  
 و بمرد باجور  
 شود آثم نشود  
 مسئله دو خوردن  
 در یک بار  
 جائز است  
 واجب نیست  
 اگر دو نخورد  
 و بمرد آثم  
 نشود مسئله  
 خوردن انواع  
 قوا که و  
 اطعمه لذیذه  
 جائز است  
 لیکن اسراف  
 در آن و  
 افراط ممنوع  
 است مسئله  
 استعمال  
 ظروف طلا  
 و نقره  
 بزه و وزن  
 حرام است  
 مسئله  
 شراب انگوری  
 از آب خام  
 انگور که  
 مسکر شود  
 و کف آرد  
 نجس است  
 نجاست  
 غلیظه و  
 حرام است  
 قطعی  
 سُکر آن  
 کافرست  
 و شرابی  
 که از  
 خرمائی  
 تر سازند  
 یا از  
 بختمش  
 که مسکر  
 شود و  
 کف آرد  
 و طلا  
 که آب  
 انگور  
 بنزد  
 چون  
 کمتر از  
 دو ثلث  
 خشک  
 شود  
 نجس  
 اند تا  
 مسکر  
 شود و  
 کف آرد  
 این هر  
 سه قسم  
 نجس است

مسئله  
 خوردن انواع قوا که و اطعمه لذیذه جائز است  
 لیکن اسراف در آن و افراط ممنوع است مسئله  
 استعمال ظروف طلا و نقره بزه و وزن حرام است  
 مسئله شراب انگوری از آب خام انگور که مسکر شود و  
 کف آرد نجس است نجاست غلیظه و حرام است قطعی  
 سُکر آن کافرست و شرابی که از خرمائی تر سازند  
 یا از بختمش که مسکر شود و کف آرد و طلا که آب انگور  
 بنزد چون کمتر از دو ثلث خشک شود نجس اند  
 تا مسکر شود و کف آرد این هر سه قسم نجس است

حرامی است  
 اگر مال غیر مقدار سه ریخ  
 خورد به  
 ادای قیمت آن  
 روا باشد لیکن  
 اگر احتیاط کرد  
 و بمرد باجور  
 شود آثم نشود  
 مسئله دو خوردن  
 در یک بار  
 جائز است  
 واجب نیست  
 اگر دو نخورد  
 و بمرد آثم  
 نشود مسئله  
 خوردن انواع  
 قوا که و  
 اطعمه لذیذه  
 جائز است  
 لیکن اسراف  
 در آن و  
 افراط ممنوع  
 است مسئله  
 استعمال  
 ظروف طلا  
 و نقره  
 بزه و وزن  
 حرام است  
 مسئله  
 شراب انگوری  
 از آب خام  
 انگور که  
 مسکر شود  
 و کف آرد  
 نجس است  
 نجاست  
 غلیظه و  
 حرام است  
 قطعی  
 سُکر آن  
 کافرست  
 و شرابی  
 که از  
 خرمائی  
 تر سازند  
 یا از  
 بختمش  
 که مسکر  
 شود و  
 کف آرد  
 و طلا  
 که آب  
 انگور  
 بنزد  
 چون  
 کمتر از  
 دو ثلث  
 خشک  
 شود  
 نجس  
 اند تا  
 مسکر  
 شود و  
 کف آرد  
 این هر  
 سه قسم  
 نجس است

مسئله  
 خوردن انواع قوا که و اطعمه لذیذه جائز است  
 لیکن اسراف در آن و افراط ممنوع است مسئله  
 استعمال ظروف طلا و نقره بزه و وزن حرام است  
 مسئله شراب انگوری از آب خام انگور که مسکر شود و  
 کف آرد نجس است نجاست غلیظه و حرام است قطعی  
 سُکر آن کافرست و شرابی که از خرمائی تر سازند  
 یا از بختمش که مسکر شود و کف آرد و طلا که آب انگور  
 بنزد چون کمتر از دو ثلث خشک شود نجس اند  
 تا مسکر شود و کف آرد این هر سه قسم نجس است

[illegible]

[illegible]

تداوی نیاید کرد و طفل را هم داده نشود و در هر قسم زخم  
هم نباید آخته شود <sup>مسئله</sup> وقت خوردن طعام و آب  
سنت است که اول بسم الله گوید و آخرش الحمد لله  
و اول و آخر دست بشوید و آب بسمه کثرت بنوشد  
هر را بسم الله و الحمد لله گوید <sup>مسئله</sup> شیر اسپ بسمب سگ و  
بول ماکول <sup>مسئله</sup> حرام است <sup>مسئله</sup> گوشت که از مسلمان  
یا کتبی خریده شود حلال است و آنکه از بت پرست  
خریده شود حرام است <sup>مسئله</sup> بر قبول هدیه قول عبد  
و امته و طفل مقبول است <sup>مسئله</sup> اگر عاقل بطهارت  
یا نجاست آب شیره قبول کرده شود و اگر فاسق یا  
مستور اکال نجاست آب شیب و بهنجری کند و  
بغالب رای عمل کند <sup>مسئله</sup> اگر در غلبه ظن صادق و اند  
آب را ریخته تیم کند و اگر در غلبه ظن کاویم و اند وضو

[illegible]

۱۲  
 و چون منکران را در  
 نیکو و بدی را در  
 قضا و قدر را در  
 نباشد که در آن  
 مسلمانان بخیر و  
 از سبک و سبکی  
 است و در هر یک  
 و در هر یک

[illegible]



این مال حلال است بپوشیدن و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است

و تیمم هر دو اگر کند بهتر باشد و الا وضو کند مسئله از بند ه  
 تا جبر قبول ضیافت جائز باشد و گرفتن پارچه یا زیر  
 نقد یا غله بدون اجازت مولی جائز نیست مسئله  
 قبول ضیافت و هدیه از امرای ظالم و زن بر قاصه  
 و مخفی و ناهنج که اکثر مال او از حرام باشد جائز است  
 و اگر داند که اکثر مال او از حلال است جائز است  
 فصل در لباس پارچه پوشیدن بقدر سحر حورت  
 و دفع سرما و گرمای مملک فرض است و زیاده آن  
 برای زینت مأمور و اظهار محبت خدا و ادای شکر  
 مستحب است و مستنون آنست که لباس نگشت نما  
 بنوشد و دامن دراز تا نصف ساق باشد و  
 دامن تا شالنگ جائز است و فرو تر از آن حرام است  
 و شالنگ و حجاب به نیت سنت مستحب است و زیاده

۱۳۶

پایه پیوندهای منتهی  
 حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است

پایه پیوندهای منتهی  
 حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است و اگر در آن چیزی باشد که حرام است بپوشیدن آن حرام است



۱۴۹  
 و کندن زر گردنینه مسئله استن دندان شکسته تبارقره  
 جائز است نه تبار زر و نرد صاجین تبار زر بهم جائز است  
 مسئله انگشتری از آهن و سنگ و روئین جائز نیست  
 مسئله پادشاه و قاضی را انگشتری برای مهر داشتن  
 سنت است و دیگران را ترک آن افضل است  
 مسئله طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن  
 باشد و نشستن برین چنین کسی جائز است بشه طیکه  
 از موضع نقره احتیاط کند و نرد ایلی یوسف  
 مکروه است و از محمد و روایت مسئله  
 طفل نر را پوشانیدن حریر و زر حرام است  
 فصل در و طی و دوائی آن جماع کردن باین  
 منکوحه یا مملو که خود و زور بر یاد در حالت حیض حرام است  
 مسئله لواطت حرام است قطعی منکر حرمت آن کافرت

و کندن زر گردنینه مسئله استن دندان شکسته تبارقره  
 جائز است نه تبار زر و نرد صاجین تبار زر بهم جائز است  
 مسئله انگشتری از آهن و سنگ و روئین جائز نیست  
 مسئله پادشاه و قاضی را انگشتری برای مهر داشتن  
 سنت است و دیگران را ترک آن افضل است  
 مسئله طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن  
 باشد و نشستن برین چنین کسی جائز است بشه طیکه  
 از موضع نقره احتیاط کند و نرد ایلی یوسف  
 مکروه است و از محمد و روایت مسئله  
 طفل نر را پوشانیدن حریر و زر حرام است  
 فصل در و طی و دوائی آن جماع کردن باین  
 منکوحه یا مملو که خود و زور بر یاد در حالت حیض حرام است  
 مسئله لواطت حرام است قطعی منکر حرمت آن کافرت

و کندن زر گردنینه مسئله استن دندان شکسته تبارقره  
 جائز است نه تبار زر و نرد صاجین تبار زر بهم جائز است  
 مسئله انگشتری از آهن و سنگ و روئین جائز نیست  
 مسئله پادشاه و قاضی را انگشتری برای مهر داشتن  
 سنت است و دیگران را ترک آن افضل است  
 مسئله طعام خوردن در ظرفی که کوفت نقره بر آن  
 باشد و نشستن برین چنین کسی جائز است بشه طیکه  
 از موضع نقره احتیاط کند و نرد ایلی یوسف  
 مکروه است و از محمد و روایت مسئله  
 طفل نر را پوشانیدن حریر و زر حرام است  
 فصل در و طی و دوائی آن جماع کردن باین  
 منکوحه یا مملو که خود و زور بر یاد در حالت حیض حرام است  
 مسئله لواطت حرام است قطعی منکر حرمت آن کافرت



پس سوائی روی  
دوست دیدن  
غیبت و ستم نتوانا  
یادی هم روا  
بناشد که ز غفل  
شدن برآمدن  
نزد دیوون  
اجازت  
جائزست  
بالاجماع  
گذران  
فایض خان

171

۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

[illegible]



[illegible]

[illegible][illegible][illegible]



[illegible]

[illegible]

آن کافرست بدانکه ربوا و قسمست یکی ربوانسیه یعنی  
نقد را به انسیه فروختن و دم ربوا فضل یعنی اندک را  
به بسیار فروختن نزد امام اعظم اگر دو چیز یافته شود  
هر دو قسم ربوا حرام باشد یکی اتحاد جنس دوم اتحاد  
قدر و قدر عبارتست از کیل یا وزن و اگر ازین دو چیز  
یکی یافته شود ربوانسیه حرام باشد نه ربوا فضل پس  
اگر گندم را عوض گندم یا نخود را عوض نخود یا جو را  
عوض جو یا زر را عوض زریا آهن را عوض آهن فروخته  
شود فضل و نسیه هر دو حرام باشد که هر دو چیز اتحاد جنس  
و اتحاد قدر موجود است و اگر گندم را عوض نخود یا زر را  
عوض سیم یا آهن را عوض سیم فروخته شود فضل حلال  
باشد لیکن نسیه حرام که گندم و نخود هر دو یک کیل فروخته  
میشوند و آهن و سیم بیک میزان و سنجابت

است ۱۲ از آن زمان که از او مراد  
مهریست که در آن زمان

[illegible]

174

[illegible]











بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم  
 بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم

سوای قیمت مانند اجرت حمال یا قصاری خریده  
 شده باشد آن را با قیمت ضم کند و بگوید که اینقدر زر من  
 برین رخت خرچ شده است و بگوید که باین قدر زر  
 خریده ام تا کاذب نباشد مسئله اگر شخصی یک پارچه  
 مثلاً بده درم فروخت و هنوز مبلغی بخری ببالع نداد بایع  
 همان پارچه را از مشتری به پنج درم خرید یا آن پارچه  
 را با پارچه دیگر بده درم خرید این بیع صحیح نباشد که در  
 حکم بیع است مسئله بیع منقول پیش از قبض صحیح  
 نیست اگر کیلی بشرط کیلی خرید و مشتری از بایع  
 کیلی کرده گرفت پست بدست دیگری بشرط کیلی  
 فروخت مشتری ثانی را ازان طعام بیع خوردن  
 باید است کسی دیگر فروختن جائز نیست تا که با کیلی نکند و  
 کیلی اول کافی نیست خطای برای آنکه مبادا چیزی در کیلی

و بگوید که اینقدر زر من بخریدم  
 بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم  
 بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم

بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم  
 بایمان درم بیاورد و بگوید که اینقدر زر من  
 بخریدم و بگوید که اینقدر زر من بخریدم







[illegible]

در شهریکه برای اهل آن مضر باشد مکروه است و نزد  
امام ابی یوسف در هر جنس که ضرر از کار آن بجای  
آید احتکار آن ممنوع است <sup>حاکم</sup> حاکم حکم را امر کند که زیاده  
از حاجت خود بفروشد <sup>مسئله</sup> مسئله اگر کسی غله را زراعت  
بردارد و یا از شهر دیگر خریده آورد و نهد کرد  
احتکار نیست <sup>مسئله</sup> مسئله پادشاه و حاکم را نرخ کردن  
مکروه است <sup>مسئله</sup> مسئله تقابل آن در گرانی غله بسیار تعدی  
نماید و در آن صورت مشورت دانایان نرخ کند  
فصل در تصرفات و آداب معاشرت و حقوق الناس  
و گناهان سابقه و تیراندازی یاد دارد و این  
اسپان یا شتران یا خران یا استران جائز است و  
اگر برای پیش رونده چیرے مقرر کرده اگر از یک جانب  
باشد جائز است و از جانبین حرام است مگر آنکه

فَارِيقُ الزَّانِمِ

100

است در کار که هر چه حصول  
 مانی و حین بر هر چه حصول  
 بود و احیاء و در غایت و تاضیف  
 طریقی که در اینک جانب باشند  
 قوانین که در اینک جانب باشند  
 و اگر این بقوت کی بقدرت از این  
 از جانب ثالث از این طریق  
 کدام امر در دوازده از این  
 ششاد من سینه و از این  
 دهم و اگر این سینه و از این  
 که در این سینه و از این

[illegible]







[illegible]





الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 أما بعد فالحمد لله الذي جعل القرآن الكريم حجة على كل ذي عقل بلغ  
 منتهى العقل والدين ما عليه

در دوزخ باشند مگر آنکه دادن رشوت براس  
 دفع ظلم جائزست مسئله علم که حکم کند موافق  
 کتاب الله حق تعالی آن را کافر گفته مسئله  
 قضیه و مناقشه که در میان افتد واجبست  
 که آنرا بشرع رجوع کند و آنچه شرع در آن حکم کند  
 اگر چه خلاف طبع خود باشد واجبست که  
 آن را بطیب خاطر قبول کند مکرره داشتن آن  
 کفرست و مستلزم انکار شرع مسئله عجیب  
 و تکبر کردن و نفی خود را از دیگران هست  
 دانستن و غیر را حقیر دانستن حرامست حق تعالی  
 میفرماید نفی خود را نسبت به پاکی نکنید بلکه خدا  
 هر کرا میخواهد پاک میکند و اعتبار مر خاتمه راست  
 و خاتمه معلومست که چه خواهد بود و حدیث آمده

در دوزخ باشند مگر آنکه دادن رشوت براس  
 دفع ظلم جائزست مسئله علم که حکم کند موافق  
 کتاب الله حق تعالی آن را کافر گفته مسئله  
 قضیه و مناقشه که در میان افتد واجبست  
 که آنرا بشرع رجوع کند و آنچه شرع در آن حکم کند  
 اگر چه خلاف طبع خود باشد واجبست که  
 آن را بطیب خاطر قبول کند مکرره داشتن آن  
 کفرست و مستلزم انکار شرع مسئله عجیب  
 و تکبر کردن و نفی خود را از دیگران هست  
 دانستن و غیر را حقیر دانستن حرامست حق تعالی  
 میفرماید نفی خود را نسبت به پاکی نکنید بلکه خدا  
 هر کرا میخواهد پاک میکند و اعتبار مر خاتمه راست  
 و خاتمه معلومست که چه خواهد بود و حدیث آمده

در دوزخ باشند مگر آنکه دادن رشوت براس  
 دفع ظلم جائزست مسئله علم که حکم کند موافق  
 کتاب الله حق تعالی آن را کافر گفته مسئله  
 قضیه و مناقشه که در میان افتد واجبست  
 که آنرا بشرع رجوع کند و آنچه شرع در آن حکم کند  
 اگر چه خلاف طبع خود باشد واجبست که  
 آن را بطیب خاطر قبول کند مکرره داشتن آن  
 کفرست و مستلزم انکار شرع مسئله عجیب  
 و تکبر کردن و نفی خود را از دیگران هست  
 دانستن و غیر را حقیر دانستن حرامست حق تعالی  
 میفرماید نفی خود را نسبت به پاکی نکنید بلکه خدا  
 هر کرا میخواهد پاک میکند و اعتبار مر خاتمه راست  
 و خاتمه معلومست که چه خواهد بود و حدیث آمده

الحمد لله رب العالمين والصلوة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين  
 أما بعد فالحمد لله الذي جعل القرآن الكريم حجة على كل ذي عقل بلغ  
 منتهى العقل والدين ما عليه

*(Handwritten Persian calligraphy)*

دو اندرز فرمود و آب  
دوم آنکه ریغ ریغ بیندیش

مسئله تفاهات است حرام است و نیز کاشمال و  
جاه حرام است اگر چه ترزد خدا متقی تر است  
مسئله باز می کردن شیطنج یا ترزد یا چو پریا مانند  
آن حرام است و اگر در آن مال مشروط باشد  
تقار باشد و حرام قطع و گناه بگیرد باشد

[illegible][illegible]





مسئله بنده را از خدمت مولی اگر تخلف حرام است  
مسئله تراشیدن ریش پیش از قبضه حرام است  
و چیدن موی سفید از ریش و مانند آن مکروه است  
مسئله گذاشتن ریش و تراشیدن سبیل  
و ناخن و موی بغل و موی نهانی سنت است  
مسئله داخل شدن مردان و زنان در حمام  
جائز است لیکن با پرده و ازار  
مسئله امر معروف  
و نهی منکر واجب است از منکرات اگر مقدور  
داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان  
منع کند و اگر نتواند یا مفید نداند از دل مکروه  
دارد و صحبت اهل منکر ترک کند اگر این قدر  
هم نیکدور و بال آنها شریک باشد هم در دنیا  
و هم در آخرت مسئله حب فی الله و بغض فی الله

مسئله بنده را از خدمت مولی اگر تخلف حرام است  
مسئله تراشیدن ریش پیش از قبضه حرام است  
و چیدن موی سفید از ریش و مانند آن مکروه است  
مسئله گذاشتن ریش و تراشیدن سبیل  
و ناخن و موی بغل و موی نهانی سنت است  
مسئله داخل شدن مردان و زنان در حمام  
جائز است لیکن با پرده و ازار  
مسئله امر معروف  
و نهی منکر واجب است از منکرات اگر مقدور  
داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان  
منع کند و اگر نتواند یا مفید نداند از دل مکروه  
دارد و صحبت اهل منکر ترک کند اگر این قدر  
هم نیکدور و بال آنها شریک باشد هم در دنیا  
و هم در آخرت مسئله حب فی الله و بغض فی الله

۱۴۵

مسئله بنده را از خدمت مولی اگر تخلف حرام است  
مسئله تراشیدن ریش پیش از قبضه حرام است  
و چیدن موی سفید از ریش و مانند آن مکروه است  
مسئله گذاشتن ریش و تراشیدن سبیل  
و ناخن و موی بغل و موی نهانی سنت است  
مسئله داخل شدن مردان و زنان در حمام  
جائز است لیکن با پرده و ازار  
مسئله امر معروف  
و نهی منکر واجب است از منکرات اگر مقدور  
داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان  
منع کند و اگر نتواند یا مفید نداند از دل مکروه  
دارد و صحبت اهل منکر ترک کند اگر این قدر  
هم نیکدور و بال آنها شریک باشد هم در دنیا  
و هم در آخرت مسئله حب فی الله و بغض فی الله

مسئله بنده را از خدمت مولی اگر تخلف حرام است  
مسئله تراشیدن ریش پیش از قبضه حرام است  
و چیدن موی سفید از ریش و مانند آن مکروه است  
مسئله گذاشتن ریش و تراشیدن سبیل  
و ناخن و موی بغل و موی نهانی سنت است  
مسئله داخل شدن مردان و زنان در حمام  
جائز است لیکن با پرده و ازار  
مسئله امر معروف  
و نهی منکر واجب است از منکرات اگر مقدور  
داشته باشد از دست منع کند و اگر نتواند از زبان  
منع کند و اگر نتواند یا مفید نداند از دل مکروه  
دارد و صحبت اهل منکر ترک کند اگر این قدر  
هم نیکدور و بال آنها شریک باشد هم در دنیا  
و هم در آخرت مسئله حب فی الله و بغض فی الله

والسلامة والصحة والسلامة والصحة والسلامة

فرض است مسئله کس که بروی احسان کند  
شکر او کردن و مکافات او نمودن مستحب است  
یا واجب و انکار آن کردن و کفر آن نمودن  
محضیت است هر که شکر بنده نکرده شکر خدا نکند  
مسئله نشستن و مجلس علما و صلحا افضل است  
اگر تمییز شود و اگر تمییز نشود عزالت بهتر است  
مسئله کثرت در ویر پیغمبر صلی الله علیه و سلم  
مستحب است و خالی بودن مجلس از ذکر خدا و  
در ویر پیغمبر صلی الله علیه و سلم مکروه است مسئله  
مروا تشبه بزنان وزن را تشبه میروان و مسلم  
را تشبه بخمار و فساق حرام است مسئله قتل  
کردن جانور ماکول نه برای خوردن حرام است  
مسئله قتل جانور موزی جایز است

در این کتاب  
که در آن  
در آن  
و برین  
فرستاده  
است

---

نویسنده  
عبدالله  
راوندی  
خواجه

نہایت

مسئله حقوق مسلمانان بر مسلمانان  
خیرست عیادت مرخص و حضور جنازه و قبول  
و دعوت و سلام و تهنیت و اطعام و خیر خواهی  
در حضور و بهم در غیبت مسئله باید که دوست  
دارد برای مسلمانان آنچه برای نفس خود دوست  
دارد و مکروه دارد در حق آنها آنچه برای خود  
نہ پسندد و در سلام واجب است مسئله باید که  
کبار بر سه مرتبه است مرتبه اول اکبر کبار کفرت  
و قریب آن عقائد یا طایفه مرتبه دوم آنچه در آن  
حقوق بندگان تلف شود یعنی ظلم بر خون و مال  
و آبرو و مسلمانان حق طالب حقوق خود  
بخشد و حقوق بندگان نبخشد لغوی از انس و است  
کرد که رسول فرمود صل علی الله علیه و سلم

دو فرسخه در دویست و پنجاه و دو روز و در میان  
آسیا بهی این حد است  
بنابر قوت پیر کجا  
علاهی که در این کوهها  
الاجازت نیست گفت  
است با کمال و  
علم الطالع است  
از کجای است  
شبهه و در شب  
در این شب و جمعه

154

بیت ست کزانی  
شرح ملا علی قاری  
علی الشریع رضوی کبیر  
جلالت واجب  
بعضی ترجمہ کیا  
است و در تالیف  
ایمان جو کلام  
سنت است  
نفس ۱۲۳۲

[illegible]

از حق در چشم خود داد  
از دست که عیادت  
بهر خفا از دست  
از حق در چشم خود داد  
از دست که عیادت  
بهر خفا از دست













[illegible]



مسئله اگر کسی که با کسی در بیعت است و آن شخص کافر شود و گوید که این مرد را  
نیت از حلال است کافر نشود مسئله مردی دیگری را  
گفت که از خدا نیت می گفت نه کافر شود و نزد محمد  
بن فضیل اگر در محصیت باشد کافر شود و الا نه مسئله  
اگر گفت که وی اگر خدا شود من حق خود از وی بستانم  
کافر نشود مسئله اگر گوید که خدا یا تو بس نیاید  
من چگونه با تو بس آیم کافر نشود مسئله اگر گوید که  
هر آسمان خداست و بر زمین تو کافر نشود مسئله  
اگر کسی که مرد گفت که خدا را با نیت بود کافر نشود  
و اگر دیگر گفت که خدا بر تو ظلم کرد کافر نشود مسئله  
اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد و مظلوم گفت ای  
خدا تو از وی بپزیر اگر تو از وی بپزیری

یا حلال قطعی را حرام یا فرض را فرض نداند کافر نشود  
مسئله اگر گوشت مرد را می فروشد و گوید که این مرد را  
نیت از حلال است کافر نشود مسئله مردی دیگری را  
گفت که از خدا نیت می گفت نه کافر شود و نزد محمد  
بن فضیل اگر در محصیت باشد کافر شود و الا نه مسئله  
اگر گفت که وی اگر خدا شود من حق خود از وی بستانم  
کافر نشود مسئله اگر گوید که خدا یا تو بس نیاید  
من چگونه با تو بس آیم کافر نشود مسئله اگر گوید که  
هر آسمان خداست و بر زمین تو کافر نشود مسئله  
اگر کسی که مرد گفت که خدا را با نیت بود کافر نشود  
و اگر دیگر گفت که خدا بر تو ظلم کرد کافر نشود مسئله  
اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد و مظلوم گفت ای  
خدا تو از وی بپزیر اگر تو از وی بپزیری

۱۵۵

اگر کسی که با کسی در بیعت است و آن شخص کافر شود و گوید که این مرد را  
نیت از حلال است کافر نشود مسئله مردی دیگری را  
گفت که از خدا نیت می گفت نه کافر شود و نزد محمد  
بن فضیل اگر در محصیت باشد کافر شود و الا نه مسئله  
اگر گفت که وی اگر خدا شود من حق خود از وی بستانم  
کافر نشود مسئله اگر گوید که خدا یا تو بس نیاید  
من چگونه با تو بس آیم کافر نشود مسئله اگر گوید که  
هر آسمان خداست و بر زمین تو کافر نشود مسئله  
اگر کسی که مرد گفت که خدا را با نیت بود کافر نشود  
و اگر دیگر گفت که خدا بر تو ظلم کرد کافر نشود مسئله  
اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد و مظلوم گفت ای  
خدا تو از وی بپزیر اگر تو از وی بپزیری

اگر کسی که با کسی در بیعت است و آن شخص کافر شود و گوید که این مرد را  
نیت از حلال است کافر نشود مسئله مردی دیگری را  
گفت که از خدا نیت می گفت نه کافر شود و نزد محمد  
بن فضیل اگر در محصیت باشد کافر شود و الا نه مسئله  
اگر گفت که وی اگر خدا شود من حق خود از وی بستانم  
کافر نشود مسئله اگر گوید که خدا یا تو بس نیاید  
من چگونه با تو بس آیم کافر نشود مسئله اگر گوید که  
هر آسمان خداست و بر زمین تو کافر نشود مسئله  
اگر کسی که مرد گفت که خدا را با نیت بود کافر نشود  
و اگر دیگر گفت که خدا بر تو ظلم کرد کافر نشود مسئله  
اگر شخصی بر دیگری ظلم کرد و مظلوم گفت ای  
خدا تو از وی بپزیر اگر تو از وی بپزیری









[illegible]

بت راسخه کنم و با وی آشتی نکنم کافر نشود و چرا که  
اراده او بعید دانستن صلح است اگر فاسقی مصلحا را  
بگوید که بیاید مسلمانی ببینید و بسوی مجلس فسق اشاء  
کند کافر شود مسئله اگر میخواند میگوید شاد باد آنکه بر شادی با  
شاد است ابو بکر طرخان گفته کافر شود مسئله اگر زنی گویند  
برشوی دشمن باد کافر شود مسئله اگر کسی گفت تا حرام یابم  
گرد حلال چرا گردم کافر نشود مسئله اگر کسی در بیماری گفت  
اگر خواهی مرا مسلمان بمیران و اگر خواهی کافر بمیران کافر شود  
مسئله در فتاوی سراجی آورده که اگر گفت که روزی  
بر من فراخ کن یا بر من ظلم کن ابو نصر در کفو توقف کرده  
و ظاهرا نیست که کافر شود که اعتقاد ظلم بر خدا افرست  
مسئله شخصی از آن میگوید دیگری گفت دوغ گفتی کافر شود  
مسئله اگر پیغمبر صلی الله علیه و سلم را عیب گردانای موی

[illegible][illegible][illegible]





کافر نشود اگر کافر نشود اگر و اعظم گفت بایش تا فلان  
روز در مجلس من اسلام آری فتوی بر آنست که کافر نشود  
مسئله اگر گفت مرا بازی از نماز و روزه شتاب گرفت  
کافر نشود مسئله اگر گوید تو چندگاه نماز کن تا حلاوت  
بی نمازی بینی کافر نشود مسئله اگر گفت کافر نشود آن همان است  
و کار کافران همان کافر نشود و اگر این سخن عالمی معین را گوید  
کافر نشود مسئله اگر در دعا گفت ای خدا رحمت خود را  
از من دریغ مدار از الفاظ کفرست مسئله اگر شخصی بی را  
گفت که مرتد شود درین صورت از شوهر خود جدا شوی گوینده  
کافر نشود مسئله رضا بکفر برای خود و برای غیر خود کفرست  
و صحیح آنست که اگر کفر اربعه دانسته شمن خود را خواهد که کافر نشود  
این کس ازین رضا کافر نشود مسئله اگر در مجلس شرب بخاری  
بر مکانی مرتفع مثل اعظان بنشیند و سخن خندگی بگوید

کافر نشود آنست که کافر نشود اگر و اعظم گفت بایش تا فلان  
روز در مجلس من اسلام آری فتوی بر آنست که کافر نشود  
مسئله اگر گفت مرا بازی از نماز و روزه شتاب گرفت  
کافر نشود مسئله اگر گوید تو چندگاه نماز کن تا حلاوت  
بی نمازی بینی کافر نشود مسئله اگر گفت کافر نشود آن همان است  
و کار کافران همان کافر نشود و اگر این سخن عالمی معین را گوید  
کافر نشود مسئله اگر در دعا گفت ای خدا رحمت خود را  
از من دریغ مدار از الفاظ کفرست مسئله اگر شخصی بی را  
گفت که مرتد شود درین صورت از شوهر خود جدا شوی گوینده  
کافر نشود مسئله رضا بکفر برای خود و برای غیر خود کفرست  
و صحیح آنست که اگر کفر اربعه دانسته شمن خود را خواهد که کافر نشود  
این کس ازین رضا کافر نشود مسئله اگر در مجلس شرب بخاری  
بر مکانی مرتفع مثل اعظان بنشیند و سخن خندگی بگوید

کافر نشود آنست که کافر نشود اگر و اعظم گفت بایش تا فلان  
روز در مجلس من اسلام آری فتوی بر آنست که کافر نشود  
مسئله اگر گفت مرا بازی از نماز و روزه شتاب گرفت  
کافر نشود مسئله اگر گوید تو چندگاه نماز کن تا حلاوت  
بی نمازی بینی کافر نشود مسئله اگر گفت کافر نشود آن همان است  
و کار کافران همان کافر نشود و اگر این سخن عالمی معین را گوید  
کافر نشود مسئله اگر در دعا گفت ای خدا رحمت خود را  
از من دریغ مدار از الفاظ کفرست مسئله اگر شخصی بی را  
گفت که مرتد شود درین صورت از شوهر خود جدا شوی گوینده  
کافر نشود مسئله رضا بکفر برای خود و برای غیر خود کفرست  
و صحیح آنست که اگر کفر اربعه دانسته شمن خود را خواهد که کافر نشود  
این کس ازین رضا کافر نشود مسئله اگر در مجلس شرب بخاری  
بر مکانی مرتفع مثل اعظان بنشیند و سخن خندگی بگوید

لیکن منہ کو کم رسالت  
دینے پر مجھ کو ہر قسم  
کے عذاب و سزا سے بچاؤ  
میں نے تو خدا سے دعا کی  
تو تو خدا نے میری دعا کو  
مستجاب فرمایا اور میں  
میں نے تو خدا سے دعا کی  
تو تو خدا نے میری دعا کو  
مستجاب فرمایا اور میں  
میں نے تو خدا سے دعا کی  
تو تو خدا نے میری دعا کو  
مستجاب فرمایا اور میں

[illegible]









[illegible]





وَصِيَّتُهُ جَنَابُ قَاضِي مَحْمُودٍ وَاللَّهُ صَاحِبُ نِيَّتِي قَدِيسِ بَرَّةٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَنِي مِنْ أَصْلَابِ الْمُسْلِمِينَ وَأَرْحَمَ الْمُسْلِمَاتِ  
وَمَنْ عَلَيْنَا بِعَفْوِ سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَفْضَلِ الرُّسُلِ وَالْأَيَّامِ  
يَمَنْ هُوَ الْكَافِرُ لِمُعْتَدٍ وَمَنْ هُوَ النِّعْمَةُ الْعُظْمَى لِمُغْتَنِمٍ حَتَّى اللَّهُ تَعَالَى  
عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ وَآحِبَّاهُ وَاتَّبَاعَهُ أَجْمَعِينَ قَاسَكُنْهُ عَلَى مَا  
هَدَانِي لِلدِّسْلَامِ وَآحِبَّاهُ عَلَيْهِ وَوَقَفْتَنِي لِأَقْبَسِ أَنْفَارِ عِلْمَائِهِ  
الصَّالِحِينَ وَأَوْلِيَّائِهِ الْكَامِلِينَ خُلَفَاءِ الشَّيْخِ أَحْمَدَ الْقَاسِرِ فِي  
النَّفْسِ بِنَدَى الْمُجَدِّدِ لِلْأَلْفِ الثَّانِي وَالسَّيِّدِ السَّنَدِ عُمِّي الدِّينِ عَبْدِ الْقَادِرِ  
الْجِيلَانِيِّ غَوَاثِ الثَّقَلَيْنِ وَالسَّيِّدِ الْفَاضِلِ الْكَامِلِ مُعَيَّنِ الدِّينِ  
حَسَنِ السَّجَوِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْ أَسْلَافِهِمْ وَأَخْلَافِهِمْ أَجْمَعِينَ  
وَأَرْجُو مِنْ فَضْلِهِ تَعَالَى أَنْ يُبَيِّتَنِي عَلَى اتِّبَاعِهِمْ وَتَحْبِسَهُمْ  
وَيُلْحِقَنِي بِهِمْ فِي دَارِ الْقَرَارِ وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَازِلٍ  
بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمدرضا الله عثمانی خفیی مجدوی یانی تپی می نویسد که عمر  
این عاصی بهشتا سال رسید و یقین که عبارت از مرگ است بر سر آمده و مرصتی نگذاشته  
کلیه چند بطریق وصیت برای ولاد و احباب می نویسد که رعایت بعضی از آن برای نجات  
فقیر فقیر ضرورت برخی از آن برای دوستان و فرزندان ضرور و مفید است اگر اول را  
رعایت خواهند کرد در حق فقیر از آنها خوشنود و خواهد شد و حق تعالی جزای خیر خواهد داد

بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله الذي خلقني من اصلا ب المسلمين وارحم المسلمين  
ومن علينا بعفو سيد الانبياء وافضل الرسل والايام  
يمن هو الكافر لمعتد ومن هو النعمة العظمى لمغتني حتى الله تعالى  
عليه وعلى آله واهبيه واتباعه اجمعين قاسكنه على ما  
هداني للدسلا م واهباني عليه ووقفني لا قبا س انفا ر علمائيه  
الصالحين واوليائه الكاملين خلفاء الشيخ احمد القاسر في  
النفس بندي المجدد للالف الثاني والسيد السند عمي الدين عبد القادر  
الجيلاني غواث الثقلين والسيد الفاضل الكامل معين الدين  
حسن السجوي رضي الله عن اسلافهم واخلافهم اجمعين  
وارجو من فضله تعالى ان يبيتني على اتباعهم وتحبسهم  
ويلحقني بهم في دار القرار وما ذالك على الله بعازل  
بعد از حمد و صلوة فقیر حقیر محمدرضا الله عثمانی خفیی مجدوی یانی تپی می نویسد که عمر  
این عاصی بهشتا سال رسید و یقین که عبارت از مرگ است بر سر آمده و مرصتی نگذاشته  
کلیه چند بطریق وصیت برای ولاد و احباب می نویسد که رعایت بعضی از آن برای نجات  
فقیر فقیر ضرورت برخی از آن برای دوستان و فرزندان ضرور و مفید است اگر اول را  
رعایت خواهند کرد در حق فقیر از آنها خوشنود و خواهد شد و حق تعالی جزای خیر خواهد داد

و اگر نه در عاقبت و امنگیر خواهیم شد اگر نوع ثانوی را رعایت خواهند کرد و مگر آن دنیا و عقبی  
نیک خواهند دید و اگر نه نتیجه بد خواهند دید نوع اول آنست که در تحمیل و تکفیل غسل و دفن  
رعایت سنت کنند و دو چادر بر راننی که حضرت ایشان شهید رضی الله عنه عنایت فرموده  
بودند در آن تکفیل نمایند و عمامه خلاف سنت است ضرورتست نماز جنازه بجماعت کشید و  
اما صالح مثل حافظ محمد علی و یا حکیم سکه یا حافظ میر محمد بجا آرند و بعد تکبیر اولی سوره فاتحه  
هم خوانند و بعد مردن من رسوم و بنوی مثل <sup>صفت و نجاست</sup> بهم بستم و چهل و شش شاهی و سبکی هیچ کنند که  
رسول الله صلی الله علیه و سلم زیاده از سه و زاتم کردن جائز نداشته اند حرام ساخته اند از  
اگر زیاری زنان را منع بلیغ نمایند در حالت حیات خود فقیر ازین چیز اراضی نبود  
و باختیار خود کردن نداده و از کلمه درود و ختم قرآن استغفار و از مال حلال صدقه بفقرا باغا  
امداد فرایند که رسول الله صلی الله علیه و سلم فرموده <sup>کایه</sup> اَلْمَدِیْتُ فِی الْقَبْرِ کَا لَغَرِیقِ الْمَتَّحِی  
یَنْتَظِرُ دَعْوَةَ مَا لَمْ یَحْکُمْ عَنْ اَبٍ اَوْ اَخٍ اَوْ صَدِیقٍ و بعد مردن من در اداسی و یون  
من کوشش بلیغ نمایند فقیر در حیات خود نصف موضع نگذارد و اما که قصیده در ملک خود داشت از  
هشت سهام تمام راداده سه سهام بوالد کلمه الله و دو سهام بصفوة الله و یک سهام بفلان و  
یک سهام بفرزند ان فلان و یک بفرزند فلان و فروخته مبلغ شش بخشیده هر یک را مالک  
حصه او ساخته بود لیکن تمام نیست خود محصول پنجم حصه با ولد هر دو دختر میزد و هم القی را  
سه حصه کرده یک حصه برای خرج خود میداشت و یک حصه بفلان و یک حصه بفلان میداد  
بعد مردن من هم تا و فقیه که دین من را داشت و همین قسم محصولات تقسیم کرده حصه من بقرض  
خواهان من میداده باشند و از مبلغ عیدین قرضخواهان را راداده هر از دو و تر فارغ از سه باشد  
تفصیل قرضها که در دین من است در بند چپه اخراجات و زمره اکثر نوشته ام و چپیه های

لحم و روغن  
نیم پاره چوب صندل و روغن  
چاپش بر او کشیده است  
صلوات حق حضرت  
میرزا جان جانان  
حبیب الله شریف  
رحمه الله تعالی  
صلوات نام و حلی ایشان  
علامه حسین بن علی بوده  
که در آن  
چون آنکه در آن شده  
چون آنکه در آن شده  
است که ایشان بیک  
دعای را که در آن  
اورا از جانب پدر  
یا برادر یا دوست  
یا کسی که

مهری من و در حق این است ادای آن تا بن کمال و صبیحه شریفه حضرت شیخ رضی الله عنه را  
هر یک بقدر خود خدمت کردن لازم و واجب اند علی المؤمنین قد رکه و علی المقتر قد رکه  
لا یحکمت الله نفساً الا و سحبا انقیر در سال تمام ده من گندم پنج شش ر و بیه نقد  
باشان میداد ازین قصه نشود ده بیکه زمین چاه سیدانی والاواله دلیل است از طرف  
خود برای میرزا الحسن و صیثت کرده بود با ایشان میرسد و من از طرف خود بست بیکه خام  
ازین چاهی مزروع از موضع نگه برای ایشان مقرر نموده بود لیکن ایشان بران قبضه کرده اند  
لیکن گندم که در پی نقد در راه ایشان میدهم درین هم قصه نشود موضع نگه میراث جدیدی  
و جدا داری من نیست محض تصدق حضرت میرزا صاحب شهید رضی الله عنه را داد  
خدمت ایشان تقصیر نماید نو عبد بیکه که برای پس اندگان مفید است آن است که دنیا را  
چندان معتبر نداند اکثر کسان در طفلی و اکثر در جوانی می بینند و بعضی به پیری میرسند  
تمام عمرشان هم در اندک فرصت مثل باد صبا میزد و نماند که کجارت و معامله آخرت که  
انقطاع پذیر نیست بر سر میانه حق تعالی میفرماید اذ السماء انفطرت الی قوله علیک  
نفس ما قدمت و آخرت الی شد که باین لذت قلیل که آن هم بی رنج کشی میسر میشود  
لذات قوی الی را بر باد دهد و بالام ابدی گرفتار شود تعوذ بالله منها پس چنانکه مصلحت  
دینی و مصلحت دنیوی با هم متعارض شود مصلحت دینی را مقدم باید داشت سیکه مصلحت دینی را  
مقدم میدارد دنیا هم موافق تقدیر بوی میرسد رسول فرمود صلی الله علیه و سلم جعل الله  
هوا و ارجلهم آخرته کفی الله هه دنیا یعنی هر قصاصه خود در یک مقصود منحصر و مقصود  
آخرت منظور و ادکفایت کند الله تعالی مقصود دنیا می و را و سیکه مصلحت دنیا را مقدم کرده باشد  
که دنیا هم او را دست به چنانچه بیشتر درین زان به چنان است پس حیر الدنيا و الاخره میشود



و اگر دنیا دست نهد زان دست زلال پذیرد باز خسران بدی حق شود فقیر چشم خود هزارها  
مردم را دیده که بدلت رسیدند باز از آنجا اثری نماند فقیر بود فقیر بود فقیر بود فقیر بود فقیر  
بنام شدند هر چند پند بیاید حق این خدمت را داد اند و خصوصاً ازین فقیر بر تقصیر بیشتر عمر  
در زمانه فاسد تر یافته از نجاست نام و مستغفرم اما بحول الله و قوته طمع ازین خدمت نگردم  
و از اکثر انبای روزگار نوعی خوبی کردم الحمد لله علی ذلک از نجاست از فضل الهی  
امید مغفرت دارم مقصود صلی در نیت فقیر همین است اما بکرت همین عمل جمله مسلمانان  
بلکه بنود هم هر سیکه ملاقات کرده معزز داشته و غنیمت شمرده و گرنه علما بهتر از من موجود اند  
کسی نمی پرسد و از باطن کسی دیگران را چه خبرست این دلیل است بر آنکه اگر مصلحت دینی را  
بر دنیا مقدم داشته شود دنیا هم از وی در گردان نمی شود ع میسر پذیرد آن مراد حق  
پس از فرزندان من سیکه خدمت قضایا کنند طمع خاطر داری ناحق را دخل نه بد و بد  
معتبری عمل نماید و از حجاب تقدیم مصلحت دینی بر مصلحت دنیوی آنست که در منکاف پیدا  
را منظر دارد چون درین راز درین شهر مذہب و افق بسیار شیوع یافته است و تقابل  
بر علو نسب یا رفاه معیشت نظر میدارند اول رعایت دین باید کرد و دختر کسی را نفی  
اگر چه صاحب دولت و عالی نسب باشد نباید داد و روز قیامت سوای دین تقوی هیچ بهار  
نخواهد آمد و نسب نخواهند پرسید ع که درین راه فلان ابن فلان چیزی نیست  
و دولت اعتبار ندارد که مشتق از تداول است اما ک غای و ر ا ع و دیگر باید آنست که  
کمال الکملین از نوع بشر بلکه از ملائکه هم سید المرسلین صلی الله علیه و سلم هر کس هر قدر  
بآن خرمشابهت بهم رساند در باطن و ظاهر و صفات جبلت و سبب و علم و اعتقاد و عمل  
در عبادت و عبادات آن کس را همان قدر کامل باید دانست و هر کس در مشابعت

در چیزی از آن قاصرست همان قدر وی را ناقص باید دانست لهذا محبت کمال  
 اتباع سنت شریفه که اولیای نقشبندی اختیار کرده اند گوی مسابقت بزه اند و همین کمال  
 مشابهت بجهت کمال متابعت دلیل است بر فضیلت شان و اگر محبت قاصرتر از کمال  
 متابعت آن جناب کوتاهی کند و بر ادای واجبات ترک محرمات و مکروهات و مشتهیات  
 و عبادات و عادات و معاملات خصوصاً در معاملات قناعت کند آن هم بسیار غنیست  
 گوشت نوافل و اتیان مستحبات و کمال اشتغال بسنن در عبادات و عادات از او میسر نشود  
 رسول فرمود صلی الله علیه و سلم <sup>از آن مجرب بود</sup> اتقوا الشبهات استبرأ لیدینکم و عراضه و من  
 وقع فی الشبهات وقع فی الحرام الحدیث فی الصحیحین حق تعالی  
 میفرماید آن اولیاء که الا المفسقون نیستند و ستان خدا را مکتفیان تقوی عبادت  
 از ادای واجبات ترک محرمات و مشتهیات است نه از کثرت نوافل و اتیان مستحبات  
 اقبح محرمات ذائل نفس است از نفاق و عجب و کبر و حقد و حسد و ریا و عصبه و طول مال  
 و حرص و دنیا و مانندان و بعد از آن محرمات که بافعال جوارح تعلق دارد و در مرتبه فقر  
 مبتدیان و اگر محبت ازین مرتبه هم کوتاهی کند از شوی نفس شر شیطان ترک محرمات  
 نشود پس در آنچه تلافی حقوق العباد باشد از آن اجتناب باید کرد که حق تعالی ارجمست رسول  
 و پیران عظام شیع انداخته اند <sup>که</sup> حقوق العباد و در بخشش فی ایدایات و احادیث  
 درین باب بسیار اند این قیمة تحمل آن تواند شد حدیث <sup>که</sup> المسلم من سب المسلمین  
 من لسانه و یدیه و حدیث <sup>که</sup> تحب للناس ما تحب لنفسک و کلمه  
 لهم ما تکره لنفسک درینجا کافی است شعر مباحش در پی آن را در هر جای کن  
 که در شریعت ما غیر ازین گناهی نیست به معنی غیر ازین مثل این گناهی نیست

در تقیید کمال  
 شدت با طلب کمال  
 که درین خود را  
 و نگار داشت خود را  
 خود را و کمالی  
 در شمشک می افتد  
 در عالم از زجر  
 مشکوه ترشید  
 کی تو کمال سلمان  
 که سلاست  
 این سلمان از  
 زبان او دست او  
 سحر و جادو  
 دوست داری با بی  
 مردان آنچه دوست  
 داری با بی ذات خود  
 و ناخشنودی  
 برای او شان آنچه  
 پیش داری با بی  
 ذات خود





و در ایام تحصیل سی صد پنجاه کتاب سوای کتب تحصیلیه بمطالعه خود در آورده و نخستین  
بیعت بخداست حضرت شاه محمد عابد صاحب سی قدس سره نمودند بعد وفات حضرت  
مهر و مجتهد جناب میرزا مظفر جانشانان شهید قدس سره احمید کسب کالات کردند و بزبان  
حضرت ایشان بلقب علم الهدی سرفراز گشتند و حضرت جناب مولانا شاه محمد عبد العزیز  
قدس سره بلقب بهیمنی وقت یاد میفرمودند مدتی در افاضه فیض ظاهر و باطن و اشاعت  
علوم و فصل خصومات افتای سوالات حل معضلات مصروف می بودند و در علم تفسیر و کلام  
و تصوف بطول می داشتند چندین کتب سائل درین علوم تصنیف فرموده و یکایک بایر و جواب  
اسوئله مشککه و تفسیر نموده اند تفسیر نظری کتابی است بس ضخیم در هفت مجلد کلام سیف السلول  
و ارشاد لطایف بین ساله مال ابدیه و تذکره اوقی القبول و تذکره ابعاد و حقوق الاسلام بحقیقه الاسلام  
شهرت یافته و رساله در حرمت اباحت مرد و رساله در حرمت متعه رساله شهابی و بن یک  
کتب و سائل که از شیعیان و متجربان و خواهد بود از تصانیف حضرت ایشان است وفات حضرت  
قاضی صاحب غریب ماه حبیب ال کبیر ارفو صمد و نیست پنج هجری چنانچه جناب مولوی محبت صاحب  
موصوف در تاریخ حلت شریف فهمه مکر مومن فی جنت النعیم یافته اند

## خاتمه

الحمد لله الفضل المنعم والصلوة والسلام علی سید الانام محمد وآله العظام  
و اصحابه اکرام الی یوم القیام اما بعد رساله مختصره مال ابدیه که بر عقاید ضروری  
اسلامیه و مسائل فقهیه و احکام اخلاق و طریقت شامل است و بر مسائل معتزله و  
مستنده فقهیه مبتذل تصنیف لطیف عالم با عمل جناب اجل حقان آگاه جناب

و آنکه اکثر دانش باقیست آنکه گوش یا دم و باقی و آنکه حاضر ندارد الا رفتن میتوان و آنکه خلقی گوش خرد  
 دارد و جائزست تنبیه در تقدیر اکثر از امام عظمی در روایات مختلفست در روایت جامع صغیر تاثلث  
 اقلست و زیاده از آن اکثر و در بعضی کتاب رابع و نزد صاحبین اگر زیاده از نصف باقی باشد اکثرست و  
 همینست مختار فقیه اولیث **مسئله** اگر خریدن غنی و گسفتنی را صحیح و بعدش عیب پیدا کند پس اجبت  
 دیگر و فقیه راجازست اول **مسئله** اگر حصه احدی کم از حصه سبع باشد از پنجگوش بانی جائز نیست **مسئله** اگر  
 در کس یک گاو و الناصفه خرید و قربانی کنند جائزست بر روایت صحیح و تقسیم نمایند گوشت را بوزن پنجین مگر آنکه  
 با گوشت چیزی از کله و پاچه و پوست باشد **مسئله** اگر گاو یا برای قربانی مردم دوسه خانه که علی و اندواز  
 هفت یا ده نباشد خرید و پنج سازند جائزست نزد امام مالک از اهل یمنه جائزست گوز یا ده از هفت یا  
 و از اهل و خواه جائز نیست که از آن باشد **مسئله** اگر خریدند و کس شتری را بادی از آن صرفا گشت  
 پس بانی آن جائز نیست **مسئله** اگر بزیل خرید و گاو یا را بنا بخیه بعدش شش کس دیگر شریک ساخت کرده است  
**مسئله** اگر از جمله هر یک که نصیانی باشد پس از جمله قربانی جائز نباشد **مسئله** اگر ضمیمه غنی بمیر و اجبت دیگر  
 و بقیه و اگر شویا بزدی و دلیل خرید دیگر یافته شود و یا مضمین غنی مختارست هر کی را که خواهد پنج سازد  
 و فقیه هر دو پنج نماید **مسئله** اگر ضمیمه وقت پنج عیب باشد و اگر شت بگو گرفتار شد پس بانی آن جائزست نزد  
 ابی حنیفه و نزد امام محمد اگر بزرگ هم گرفتار کرد و جائزست اگر غلطانی و شد و گسفتنی بنا بر پنج و ضمیر یک  
 یا اینکه با ششگوش پس بانی آن جائزست **مسئله** اگر شتر کا بزرگ دزد هفت کس گاو یا را بخیه چهار کس نیست قربانی  
 و اگر قصد تطوع پس جائزست اتفاقا **مسئله** اول وقت پنج برای شهریان بعد از عیدست و برای اهل قریه  
 طلوع فجر بوم عید و وقت آخر قبل غروب قیاب و ز سومست نزد شافعی تا سیزدهم نیز جائزست پس  
 اهل شهر الا رب قبل نماز امام قربانی جائزند و اهل قریه راجاز **مسئله** اگر خریدند هفت کس گاو یا را بنا بر قربانی  
 و بعد یکی از آنها قبل قربانی و واران میت اجازت دادند جائزست الا لا و نزد ابی یوسف بروایتی جائزند  
 و اگر از طرف خود و وارث میت اندام آن پنج سازند جائزست تنبیه برای فقر و غنا و ولادت و موت و خروقت  
 معتبرست پس اگر شخصی اول وقت فقیر بود و آخر وقت غنی شد بر وضو واجبست اگر آخر وقت فقیر شد و  
 اول وقت غنی بود پس وادانته واجب نیست اگر پیش از آخر وقت واجبست و چون بمیر و اجبت  
**مسئله** اگر کسی پنج کرد ضمیمه بعد از آن ظاهر شد که امام نماز عید با طهارت خوانده است عاده نماز لازمست نه قربانی

۲  
 ۳  
 ۴  
 ۵  
 ۶  
 ۷  
 ۸  
 ۹  
 ۱۰  
 ۱۱  
 ۱۲  
 ۱۳  
 ۱۴  
 ۱۵  
 ۱۶  
 ۱۷  
 ۱۸  
 ۱۹  
 ۲۰  
 ۲۱  
 ۲۲  
 ۲۳  
 ۲۴  
 ۲۵  
 ۲۶  
 ۲۷  
 ۲۸  
 ۲۹  
 ۳۰  
 ۳۱  
 ۳۲  
 ۳۳  
 ۳۴  
 ۳۵  
 ۳۶  
 ۳۷  
 ۳۸  
 ۳۹  
 ۴۰  
 ۴۱  
 ۴۲  
 ۴۳  
 ۴۴  
 ۴۵  
 ۴۶  
 ۴۷  
 ۴۸  
 ۴۹  
 ۵۰  
 ۵۱  
 ۵۲  
 ۵۳  
 ۵۴  
 ۵۵  
 ۵۶  
 ۵۷  
 ۵۸  
 ۵۹  
 ۶۰  
 ۶۱  
 ۶۲  
 ۶۳  
 ۶۴  
 ۶۵  
 ۶۶  
 ۶۷  
 ۶۸  
 ۶۹  
 ۷۰  
 ۷۱  
 ۷۲  
 ۷۳  
 ۷۴  
 ۷۵  
 ۷۶  
 ۷۷  
 ۷۸  
 ۷۹  
 ۸۰  
 ۸۱  
 ۸۲  
 ۸۳  
 ۸۴  
 ۸۵  
 ۸۶  
 ۸۷  
 ۸۸  
 ۸۹  
 ۹۰  
 ۹۱  
 ۹۲  
 ۹۳  
 ۹۴  
 ۹۵  
 ۹۶  
 ۹۷  
 ۹۸  
 ۹۹  
 ۱۰۰

مسئله اگر قبل خطبه بعد نماز پنج گانه جائز است الا اگر افضل لازم آید مسئله اگر روز عید بوجهی نماز عید خوانده نشود پس شریمان را بر دو روز دوم و سوم قبل از نماز پنج گانه قربانی جائز است مسئله اگر ایام در روز عید تاخیر نماید پس سزاوارست که تا وقت زوال در پنج گانه تاخیر نماید مسئله اگر در شهری بسبب تنه نبودن والی نماز عید نشود پس جایز است اضحی بعد طلوع فجر و علیه القنوی مسئله اگر نماز عید گاه نشده باشد و اهل مسجد فراغت کرده باشند یا بالعکس قربانی را بدو قربانی کنند و نماز شریک شده باشد یا نه مسئله اگر گواهی داده شود پیش امام به مال عید و مطابق آن نماز خوانده شود و مردمان قربانی نمایند بعد از آن ظاهر شود که یوم فیلوس عاد نماز و ضحیه لازم نیست تشبیه معتبر در قربانی مکان اوست نه مکان مضی پس اگر قربانی در دیه باشد و قربانی کننده در مصر پنج آن پنج صحیح جائز است و بعکس آن جائز نیست مسئله اگر شهری خواهد که پیش از نماز صبح پنج سازد پس حیل آنست که گو سفند قربانی را بیرون شهر فرستد تا بعد طلوع فجر پنج کرده شود و این صحیح است مسئله و افضل است دهنه از میش و ماده بزرگتر از گوسفند و گوشت برابر باشد و گو سفند از حصه سبع گاو و دوسه تنگ مسایلی باشد و قیمت بالاتفاق و نزد بعضی ماده شتر و ماده گاو نیز افضل است از زران مسئله قربانی کردن بر دو اول افضل است و بر دو همت در شبها و جائز نیست در شب بخرو آن شب ولی است سیر که شب همیشه تابع روز گشته میباشد اتفاقا اگر شک واقع شود در یوم اضحیه پس شب است که تا یوم سوم تاخیر در قربانی نماید و قربانی کردن درین ایام افضل است از آنکه فوت کند آنرا درین ایام و تصدق نماید بهای آن بعد از انقضای مسئله اگر قربانی نلنگ شخصی حتی که بگذرد ایام آن پس اگر واجب کرده است بر خود معین کرده است گو سفند معین را شکار پس واجب است که تصدق نماید زنده و اگر فقیر خرید نماید گو سفند بنا بر قربانی و نکند وقت آن بگذرد پس همین است حکم نزد علمای ارحمه الله علیه و اگر غنی خرید نکرده است گو سفندی و ایام ضحیه بگذرد پس واجب است که تصدق کند بهای آنرا مسئله کسی که پنج کرد ضحیه را از میت بلا اجازت او پس ثواب برای میت است و ضحیه از ضحی سیمیه واجب نمیکرد و ضحیه بجز و میت اگر آنکه نذر نماید یا به میت ضحیه خرید نماید آن را غنی با اتفاق روایات اما فقیر پس البته درین اختلاف است مختار این است که اگر خرید نماید به میت قربانی در ایام آن واجب می شود قربانی کردن آن اگر چه از زبان چیزی اقرار نکرده باشد و علیه القنوی و اگر نیت تقارن بشمار باشد پس واجب نیست بالا جماع مسئله اگر کسی قربانی کرد باذن میت پس واقع میشود و جایز نبود تناول گوشت آن و اگر بلا اذن کرده است بجا مسئله اگر چهارده نفر و ده همراه شتر بالا شتر را که

قرآنی نماند جائز است مسئله اگر کسی گویند خود را از غیر اهل امام و نبوت یا ضحیه فحش نماید یا نکند از غیر مسئله  
فصل است که ضحیه خود را خود فحش نماید اگر واقف باشد از طریق فحش و الا استعانت جوید از دیگر  
و خود حاضر باشد بر مکان فحش مسئله کرده است فحش نصرانی و یهودی و حرام است  
ذبیحه مجوسی و بت پرست و مرتد تسمیه از شر الطوائف اینست که صاحب توحید باشد عقدا  
بهمچو اهل اسلام دارد یا از روی دعوی مثل اهل کتاب باشد و واقف باشد تسمیه ذبیحه یعنی بدانند  
که تسمیه حلال میشود و قادر باشد بریدن رگهای رگها باشد یا زن صبی باشد یا جنون اقلقت باشد  
یا معتون و هر کسی که نمی داند تسمیه ذبیحه را پس ذبیحه او حلال نیست و اهل کتاب ذمی باشد یا جری  
اگر نام خدا وقت فحش کند و نام حضرت عیسی علیه السلام بر زبان نیاورد جائز است ذبیحه  
دی و الا لا مسئله اگر قبل غطائیدن ضحیه یا بعد فحش گوید اللهم تقبل من فلان جائز است اما  
در حالت فحش کرده است زیرا که شرط فحش اینست که صرف تسمیه گوید غالی از معنی دعا استی که اگر گوید و  
فحش اللهم اغفر لی حلال نشود و اگر عطسه آید و گوید الحمد لله و اراده تسمیه کند صحیح نیست بروایت اصح و اگر  
بجای اسم الله الحمد لله سبحان الله گوید و اراده تسمیه کند صحیح است و آنچه مشهور است که میگویند بسم الله  
و الله اکبر منقول است از ابن عباس رضی الله عنه موضع فحش میان خلق و لیه است و فحش عبارتست از  
بریدن رگهای در جانب بالای گلو و زیر فک اسفل است و رگهای که بریدن آن شرط است چهارند  
اول حلقوم دوم مری که بفارسی آذر اسرخر روده میگویند و شوم و چهارم هر دو شتر گردن ثابت است  
بعد شتر و ششماهی و اگر حلقوم و مری با کل بریده شد حلال است و الا لا و نزد امام ابی حنیفه رحم اکثر  
سنگ ازین چهار هر کدام که بریده شد حلال است و نزد امام محمد رحم اکثر هر یک بریده شود و غیر عبارت  
است از بریدن رگها که پایین گلو و نزدیک سینه شتر واقع است و فحش در گاو و گوسفند مستحب است  
و شتر و شتر و گاو و گوسفند و گاو و گوسفند و گاو و گوسفند و گاو و گوسفند و گاو و گوسفند و گاو و گوسفند  
و اگر سبوا حرکت شود حلال است و نزد امام شافعی در هر دو صورت حلال است و نزد امام مالک در هر دو  
صورت حرام و مسلمان اهل کتاب ترک تسمیه بر اهل مسئله اگر دو کس غلطی کنند باین طریقی که یکی قربانی  
دیگر را ذبح نماید جائز است تا ادا میشود از هر دو و هر یک پس تا ان لازم نیاید بلکه خواهد رفت پس ضحیه خود را  
نزد علای ما رجعت الله علیهم مسئله اگر بعد فحش کسی گوشت قربانی دیگر را بخورد و بعد از آن واضح گردد پس لا یست



که حلال گرداند یکی مرد دیگری را و اگر نزاع و خصومت نماید پس تا و ان قیمت گوشت گیر تصدق نمایند و همین  
حکم است اگر تلف کند گوشت قربانی دیگر را مسئله اگر کسی ضحیه خود را با عانت دیگر فسخ نماید پس واجب است  
تشمیه معین ذابح و اگر بی اذن هم ترک نماید حرام گرداند انی الله المختار و خزانة الفتیحة مسئله اگر کسی  
امر دیگری را برای فسخ و او ذبح کند و ظاهر نماید که من تشمیعه را ترک کرده ام پس قیمت ضحیه بر ما میسر  
لازم آید اگر ایام قربانی باشد دیگر خرید و ذبح کند و تصدق نماید و هیچ از گوشت آن بخورد و اگر ایام نحر  
باقی نباشد قیمتش تصدق بر فقیر نماید مسئله اگر بچه را سید ضحیه قبل فسخ پس فسخ کرده شود و نوزد  
بعضی از فسخ تصدق کرده شود مگر و است فسخ شاة حامله که قریب لولادة است و اگر جنین مرده یافته  
شود در شکم ضحیه پس حلال نیست موداشته باشد یا نه نزد امام باطنی حقیقه رحم و نزد صاحبین و شافعی رحم  
اگر نام شده باشد خلقت آن حلال است مسئله اگر غضب کند کسی گو سفندی را و قربانی نماید لنفس خود  
جائز است و ضمان قیمتیش لازم و همین است حکم نه و مشترکه و اگر امانت سپرد کسی گو سفندی را  
پس فسخ کند اگر امانت دار کافی نیست و همین است حکم عاریت مسئله شاة را بخرید کرد گو سفندی را  
از عیو و ذبح کرد از بعد ازان مستحق آن ظاهر شد بکس اگر بکرا جازت به بیع آن بدو جایز شد و الا  
مسئله اگر خرید نمودند سکنش یکی از ان قیمت ده درم و دوم قیمت بیست درم سوم قیمت  
سی درم بعد ازان چنان اختلاف واقع شد که کسی از انها ضحیه خود را شناختن نمی تواند پس باید با هم تجویز  
کرده یک یک گو سفندی قربانی کردند پس رواست این قربانی و لازم است که مالک سی درم به بیست هم  
و مالک بیست هم بدو درم تصدق نماید و مالک ده درم هیچ تصدق نماید و اگر جازت داد یکی از انها  
بصاحب خود پس کفایت کند هیچ لازم نه مسئله اگر فسخ کند کسی بناخن و دندان و شاخ که  
از مواضع خود بایر کرده باشد مکره است الا خوردن آن مضائقه ندارد و نزد شافعی رحم حرام است  
و بناخن غیر متروحه حرام است بالاتفاق زیرا که حکم منقعه دارد مسئله جائز است فسخ به پوست فی و سنگ  
تیز و هر چه که تیز باشد و در اما و جاری کند خون مسئله و مستحب است که ذابح اول تیز کند کار را و  
مکره است که اول بفلطاند گو سفندی را و بعد ازان تیز نماید کار خود را و مکره است جدا کردن سر  
در سایندن کار و تا حرام مغز مکره است آنکه بگیرد پای گو سفندی را و بکشد آنرا تا مواضع فسخ و آنکه  
بشکند گردن ضحیه را یا بکشد پوست آنرا پیش از آنکه از اضطراب ساکن شود و مکره است فسخ از قفا

بلکه اگر میزد و گوشتش از بریدن اگر حرام است تنبیه بکلی این آنست که هر چه که در آن لم و تغذیه است  
 و آن حاجت نیست در باب فحش کرده است مسئله هر جا فوری که یا نوس است از انسان در نمیکنند پس  
 طریق فحش آن بریدن گامای فوری است و هر جا فوری که دشت دارد از انسان در نمیکنند پس طریق  
 فحش آن اینست که بی زدن از زخمی کند و دوست از امام محمد که اگر گوشتی که در شکم است و در شکم است و در شکم است  
 آن جائز است اگر گوشتی که در میان ششها است جائز نیست فحش ضطاری در گاو و شتر و گاو و شتر هر دو  
 برابر است مسئله کرده است سوار شدن بر شتر قربانی و اجاره دادن آن و دو شدن شتران بریدن  
 پیشتر آن بنا بر انتفاع مسئله جائز است صاحب قربانی را که بخورد گوشت و ذخیره کند یا بخوراند کسی را  
 که خواهد غنی باشد یا فقیر و مستحب است که صدق از لث کم کند مگر آنکه صاحب عیال باشد مسئله  
 جائز است که تصدق کند پوست قربانی را یا اجزای غزال و مشک غیره چیزیکه بکار خانه دارد می آید  
 طیار ساز و یا تبدیل کند به چیزیکه بذات آن بلا استهلاك آن تنفع ممکن باشد مثل پارچه موزه و غیره که  
 و او و مصالح گوشت غیره که شایسته است مسئله است اینست که گوشت ضحیه مسئله جائز نیست فروختن  
 گوشت و پوست ضحیه بدرهم و دنانیر زیرا که این گونه تصرف بقصد تحول می باشد و آن دوال تنفع  
 جائز نیست مسئله اگر قربانی کرده شود از مال صبی پس بخورد از آن صغیر و ذخیره کرده شود گوشت  
 بقدر حاجت و و از البقی پارچه موزه و غیره تبدیل کرده شود و یا شایسته است مسئله همچو آورد و سرکه و  
 شیرینی مسئله اگر بفروشد کسی گوشت یا پوست ضحیه را بدرهم یا تبدیل کند از سرکه و غیره پیش از حبس  
 که تصدق کند قیمت آن مسئله جائز نیست که چیزی از ضحیه اجرت قصاب داده شود چنانچه  
 در عوام رواج است که پوست قربانی را بقصاب عوض اجرت او میدهند **مسئله** با تخیر  
 چون مسائل ضحیه از جمله الا به منها بود و جناب قاضی ثناء الله صاحب قس سر معلوم نمیشود که اگر با سب  
 در ساله الا سینه بیان نفرمودند از فقیر حسن بن حسین بن محمد العلوی مخفی که از تلامذه مولانا محمد  
 حسن علی هاشمی است در ماه محرم الحرام مسئله اجری بطور تکمله نوشته شامل ساله الا به سینه نمود  
 الله اعرف مولفه و لغایه فی دل علی شاک لمن نظرفیه و اشهد ان لا اله الا الله و حده  
 لا شریک له و اشهد ان محمدا عبدا و رسولا صلی الله علیه و آله و اصحابه و اولاده اجمعین

# رساله احکام عقیده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حامداً و صلیاً بدانکه عقیده نزد امام مالک و شافعی و احمد حسنت مؤکده است بر اینست  
 از امام احمد واجب نزد امام عظیم استحب قول به بدعت بودنش افتراست بر امام همام  
 کذا فی العاجله الذیقه و در صحیح بخاری از سلمان غنی مرویست که فرمود رسول خدا صلی الله علیه  
 و سلم طفل عقیده است پس نیز یاد از جانب و خون (یعنی فیج جانور کنید) و دفع کنید زوا و ایزا  
 و هند و را (یعنی موسی ش را تراشید) و از انس بن مالک روایت است که آنحضرت صلی الله علیه  
 و سلم بعد نبوت عقیده خود نمود و در ابوداؤد و ترمذی نسائی از سمرقند بن جندب روایت است که پیغمبر خدا  
 صلی الله علیه و سلم فرمود طفل مریون است بعقیقه ذبح کرده شود از جانب و بر زعفران و نام نهادند  
 و سرش تراشید و شود فرمود امام احمد که معنی مریون آنست که چون عقیده طفل نکرده شود شفاعت  
 والدین خود نخواهد کرد و برزقیاست چنانکه شی مریون نفع بآلک نمیدهد مسئله هر کسیا عقیده  
 مولود واجب باشد و اعتقیده او هم از مال خود باید کرد و از مال مولود و نه ضامن خویش اگر پیشتر محتاج  
 باشد از عقیده نماید اگر پیشتر مسئله در ابوداؤد و از امام کر ز روایت است که فرمود رسول مقبل صلی الله علیه  
 و سلم که از جانب سپرد و گو سفند ذبح کرده شود و از جانب ختریک سفند پنج مضایقه نیست که  
 گو سفند باشد یا داده انداخته اکثر علماء و شافعی همیست که از پیشتر ذبح کرده شود و زودنی یک

کافیست که سوال الله علی السلام و عقیقه امام حسن علیه السلام یک سفند نوج منوه و فرموده  
 فاطمه و برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش  
 و عقیقه پنج گوسفند یا بیش یا و نه یک ساله کامل و داده جا برست و درگاه و و شرکرت یا هفت  
 کس جا برست بشرطیکه نیت هشتاد و هشت ساله باشد مسلم در شرح مقدمه امام عبدالله و غیره فرمود  
 و حی کما لا یخفی یعنی حکم جانور عقیقه مثل حکم جانور قربانی است فی سینها در عمر او که بزرگ از  
 یک سال و گوشت از دو سال و شتر کم از پنج سال نبو و فی جنسها و در جنس مثل شتر گاو و بز و گاو و نه  
 و سلا متها و سلا متی اعضا که هیچ عضو از پاره از ثلث مقطع نباشد و فی افضالها و در فضیلت او  
 که در قیمتی افضل است و الا کل منھا و در خوردن از گوشت عقیقه نه فقیر و غنی و صاحب عقیقه  
 و والدین او جا برست مثل گوشت قربانی و همچنین استخوانش جا برست و الا هدا و الا ذخا  
 و در برتیا دن اگر اغنیاء باشد و خیر نون و امتناع بیعها و در منع بیع او و اللعین بالتعین  
 و در مقرر شدن نیت تعیین و اعتبار بالنیة و غیر ذلک و در اعتبار نیت غیبه مسئله مستحب  
 که جانور عقیقه یک ماه یک سال یا بلیه یعنی دانی جنائی و یک ثلث گوشت فقیر ایدهند باقی خود  
 یا با غره و احباب تقسیم نمایند و جانور صدق نمایند یا صرف خود آرد و در زمین فن نمایند که ضعیف  
 مال است مسئله وی عمر او تراشیده برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش برادرش  
 و همچنین غنیمت آنچه از جم انسان از مودنا خن و دندان و غیره جدا شود از اذن باید کرد و بر سر او در عفر  
 یا حنل کالد مسئله بعد از اذیت هفتم و زیاده چهاردهم یا بیست یکم و بهین حساب با هفت ماه  
 یا هفت سال عقیقه باید کرد و الغرض عایت و هفت تبرست مسئله وقت سج جانور عقیقه  
 این را عا بنو ان الله هذه عقیقة ابی فلان و لها بدیه و کما یلحقها و عظمها  
 یعظم جلها بجله و شعرها بشعره اللهم اجعلها فدا لابی من النار بعد

اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهَیَّ لِلَّذِیْ فَطَرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ حَنِیْفًا وَمَا اَنَا مِنَ الْمُشْرِکِیْنَ اِنَّ  
 صَلَاتِیْ وَنُسُکِیْ وَمَحِیَّایَ وَمَمَاتِیْ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ لَا شَرِکَ لَہٗ وَبِذَٰلِکَ اٰمَرْتُ  
 وَاَنَا مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ۝ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی نَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ اِنَّکَ کَبَرُ کَفْتِہٖ فَرَجْ نَمَائِہٖ اَکْرَ  
 ذَاہِجْ غَیْرِہٖ الدُّفْلُ بِاَشَدِّ بِجَامِیْ بَنِی نَامِہٖ وَاَلَدَاہُ بَکُوہُ اَکْرَ عَقِیْقَہٖ وَخَشَرُوہُ بِجَاہِہٖ نَزَرُہٖ فَرَجْ نَمَائِہٖ  
 یَعْنِی اَللّٰهُمَّ هَذِهِ عَقِیْقَہٗ بِنَتِیْ فَلَانَتْ دَمَہَا بِدَمِہَا وَلَحْمُہَا بِلَحْمِہَا نَاخِرُہٗ بِکُوہِہٖ  
 ہر گاہ طفل پیدا شود ناشن بریدہ غسل دادہ یارچہ سفید پوشانند و از یارچہ زرد و اخضر از نمایند  
 و مسنون است کہ بگوش راست و اذان و بگوش چپ قامت مثل اذان و اقامت ساز  
 بگویند و بوقت سحری عَلَی الصَّلٰوۃِ وَحَسْبِ عَلَی الْفَلَاحِ ہر دو جانب بگرداند و بعدہ بگوید  
 اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعِیْذُ بِہَا بِکَ وَدَرِّیْتِہَا مِنَ الشَّیْطَانِ الرَّجِیْمِ و بعد اذان خرم  
 یا شئی شیرین خائیدہ در کام اولیند و این را تحنیک گویند و اولی برای تحنیک است  
 پس طب پس شدہ مسئلہ نام نیک لو و مقرر کنند و در حدیث است کہ بہترین اسماء  
 آنست کہ بر عبودیت دلالت کنند مثل عبد اللہ و عبد الرحمن و عبد الرحیم و غیرہ یا بر حمد  
 مثل محمود و حامد احمد و غیرہ یا با اسمای انبیاء و مثلاً محمد ابراہیم و محمد اسمعیل و غیرہ یا و فرست  
 از عبد اللہ بن عباس کہ ہر کسی را کہ سہ پسر زائیدہ شد و نام یکی با سہم محمد نکر و پس تحقیق  
 نادانی نمود یعنی ثواب برکت این ندانست و در روایت ابو نعیم است کہ خدای تعالی  
 میفرماید کہ مرا قسم عزت و جلال خود است کہ ہرگز عذاب نخواہم کرد کسی را کہ نامش مثل  
 نام تو باشد در آتش یعنی مثل نام پیغمبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم مثلاً محمد احمد محمد علی  
 احمد بن غیرہ یا واللہ اعلم و علمہ اتم حررہا العبد العاصی لراجی غفران اللہ القوی  
 محمد عبد الغفار الکنتوی عفا اللہ الولی عنہ و عن الدیہ حسن الیہا والیہ فقط تمام شد

تَبَّتْ لَطَبِيعُ  
خَانَ

الحمد لله

وَبِالْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةِ

وَالسَّلَامِ عَلَى سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ

مُحَمَّدًا وَالْآلِهِ وَأَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ مَجْمُوعَةَ رِسَائِلِ فَقِيهِ شَيْخِ تَمَلُّبِ رِسَائِلِ مَعْتَمَدِهِ ضَرْبِيَّةٍ عَيْنِي

مَالًا بِدَمْنِهِ وَتَرْجُمُهُ بِأَبْكَامَاتِ الْكُفْرِ وَوَصِيَّتِ نَامَةِ إِذَا قَادَاتِ جَنَابِ

فِيضِ مَآبِ لَانَا قَاضِي شَنَاةِ اللَّهِ صَاحِبِ نِيَّتِي رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَى

وَحُلَاصَةِ حَالِ حَضْرَتِ مُصَنِّفِ عَلَيْهِ الرَّحْمَةُ وَرِسَالَةِ أَحْكَامِ ضَمِيمِهِ وَرِسَالَةِ

أَحْكَامِ عَقِيْقَةِ بَعْدِ تَصْحِيْحِ تَبَاتُيْنِ مَقَالِ الْأَكْلَامِ وَطَبْعِ تَنْظِيمِ مَقَالِ قَعِ كَابُورِ

حَسْبُ الْمَالِشِ جَنَابِ حَاجِي مُحَمَّدِ سَعِيدِ صَاحِبِ كِتَابِ كَلْبَتِ

خُلَاصَةِ الْإِسْبَرِ ٥٨ بِأَوَّلِ بَيْعِ الْأَوَّلِ ١٣٢٣ هـ

حَالِيَةِ طَبْعِ الْوَشِيدِ مُنْطَوَّرِ

مُطَوِّدِيهِ شَتَا قَانِ

كَرْدِيْدِ فَقَطْ







